مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

اسوه مرجعیت

ویژه‌نامه آیت‌الله‌العظمی بروجردی

ابراهیم ابراهیم‌پور



بسم الله الرحمن الرحیم

اسوه مرجعیت : ویژه‌نامه آیت‌الله‌العظمی بروجردی

نویسنده:

ابراهیم ابراهیم‌پور

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

اسوه مرجعیت : ویژه نامه آیت الله العظمی بروجردی

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابراهیم پور، ابراهیم

عنوان و نام پدیدآور : اسوه مرجعیت : ویژه نامه آیت الله العظمی بروجردی/ ابراهیم ابراهیم پور ؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر : قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما.

مشخصات ظاهری : ۴، [۸۳] ص.

فروست : مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما؛ ۱۳۴۵.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۶۰-۸ :

یادداشت : عنوان دیگر: اسوه مرجعیت.

یادداشت : کتابنامه: ص. [۸۱]؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : اسوه مرجعیت.

موضوع : بروجردی، حسین، ۱۲۵۳ - ۱۳۴۰ -- سرگذشتنامه

موضوع : مجتهدان و علما -- سرگذشتنامه

موضوع : فقیهان شیعه -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره : BP۵۵/۳/ ب۴الف۲ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۹۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۶۳۴۴۶۵

ص: ۱

فهرست مطالب

ص: ۳

ص: ۴

دیباچه

در سپهر مذهب تشیع، ستارگان پرفروغی درخشیده اند. یکی از آنان که خوش درخشید و توانست در مدتی اندک، به مقام تدریس و استادی در حوزه علمیه قم برسد و در پرتو تدریس او عالمان وارسته ای به جهان اسلام تقدیم شود، آیت الله العظمی محمدحسین بروجردی بود. وی با قدرت و نفوذ معنوی خود، از سویی وحدت مرجعیت را در شیعه تداوم بخشید و از سوی دیگر، با رویکردی نوین به جهان اسلام، توانست نظر عالمان را به بزرگ ترین مرکز علمی جهان تسنن، یعنی «الازهر» مصر جلب کند و بدین وسیله، پایه گذار تفکر وحدت مسلمان شد. تا بدان جا که مفتی بزرگ الازهر، شیخ شلتوت، برای نخستین بار در جهان اسلام فتوای به رسمیت شناختن مذهب تشیع و جواز عمل بر اساس فقه شیعه در کنار دیگر مذاهب چهارگانه اهل سنت را برای مسلمانان صادر کرد. مرحوم بروجردی در سایه درایت و پشتوانه علمی و معنوی خود توانست، منشأ خدمات ارزنده علمی، فرهنگی، سیاسی و عمرانی برای اسلام و ایران باشد که پرداختن به جنبه های گوناگون زندگی پربار و خدمات گران قدر ایشان در این مقال نمی گنجد. ازاین رو، پژوهشگر ارجمند، جناب آقای ابراهیم ابراهیم پور در این پژوهش به نمایی کلی از این شخصیت فرزانه پرداخته است. با تشکر از ایشان به دلیل بذل زحمت و همت

علمی، امیـد اسـت حاصـل پژوهش ایشـان، دسـت مـایه ای برای برنـامه سـازان گرامی در معرض چهره هـای شـاخص دینی و الگوسازی برای جامعه اسلامی شود.

انّه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

گروه تاریخ و مناسبت ها

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۸

پیش گفتار

علمای ربّانی همچون دژی مستحکم به حمایت از حریم معارف الهی می پردازند. در میان عالمان عامل، نام آیت الله العظمی بروجردی رحمه اللههمچون خورشیدی فروزان پرتوافشانی می کند و آثار وجودی او سیراب کننده جان های مشتاق کسب علوم و معارف الهی است.

ایشان در دوران عمر پربرکت خود، در زمینه های علمی، اجتماعی، سیاسی و عمرانی، خدمت های بسیار ارزنده ای برای ایران و جهان اسلام انجام داد و با رونق بخشیدن به حوزه علمیه قم و مقام مرجعیت، نام شیعه جعفری را در محافل علمی جهان اسلام پرآوازه ساخت.

او توانست با شیوه استنباط خود از منابع فقه، تحول عظیمی در حوزه های علمیه جهان تشیع به وجود آورد. ایشان با ایجاد زمینه های وحدت اسلامی و تکیه بر نقاط مشترک بین شیعه و دیگر فرقه های اسلامی، برای نخستین بار در سطحی گسترده توانست هویت درخشان مذهب شیعه را در سرزمین های دیگری همچون مصر بازشناسی کند.

به یقین، نام مردان بزرگی که همت بلند خود را برای تحقق فرمان الهی به کار گرفته اند، برای همیشه در لوح زرین تاریخ و انسانیت ماندگار خواهد بود.

امیدواریم با شناخت آن عالم وارسته و پیروی از زندگانی پرفروغ وی راهی به سوی روشنایی های رستگاری بگشاییم.

ص: ۹

فصل اول: زندگی نامه

۱. تولد

۱. تولد

آیت الله سیدحسین بروجردی در ماه صفر ۱۲۹۲ ه .ق در بروجرد دیده به جهان گشود. نسب شریف ایشان با سی واسطه به دومین پیشوای شیعیان، حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می رسد. بیشتر نیاکان و بستگان ایشان از دانشمندان و فقهای بنام شیعه بودند و بعضی از آنان از مراجع بزرگ زمان خود به شمار می رفتند، مانند: مجلسی اول، ملا صالح مازندرانی، سید محمد بروجردی (از فقیهان معروف قرن یازدهم هجری)، علامه مجلسی (نگارنده کتاب شریف بحارالانوار) و سید محمدمهدی بروجردی (علامه بحرالعلوم).

۲. آغاز فراگیری دانش و معرفت

۲. آغاز فراگیری دانش و معرفت

او را در هفتمین بهار زندگی اش به مکتب فرستادند تا از بوستان دانش بهره جوید. بدین ترتیب، کودکی و نوجوانی سید حسین تا هجده سالگی با آموزش مستقیم پدر دانشمندش و استادان آن دیار، سپری شد.

ایشان برای بهره گیری هرچه بیشتر علوم و معارف دینی، ره سپار اصفهان شد که آن زمان حوزه علمی پررونقی داشت. آن گاه چهار سال با جدیت و پشتکار به تکمیل معلومات خود پرداخت و از محضر استادان بزرگ آن شهر بهره جست.

در سال ۱۳۱۴ ه .ق هنگامی که در اوج اثرپذیری از علوم مختلف حوزوی شب را از روز نمی شناخت، پدرش، وی را به زادگاهش فرا خواند و پیشنهاد ازدواج با

دختری وارسته را به او داد. سیدحسین، ازدواج را مانعی در مقابل فراگیری دانش می دید، ولی به سفارش پدر ازدواج کرد. پس از مدتی، دوباره به اصفهان بازگشت و همچون گذشته، برای خوشه چینی از بوستان علم و معرفت، تلاشی سخت و پی گیر را آغاز کرد.

۳. سکونت در نجف اشرف

۳. سکونت در نجف اشرف

در سال ۱۳۱۸ ه .ق در ۲۶ سالگی در حالی که بنا به اقرار همگان، از مجتهدان مسلّم بود و نبوغی سرشار برای کسب علوم مختلف از جمله فقه و اصول و حکمت داشت، با رضایت پدر برای خوشه چینی از درخت بارور علم و معرفتِ بزرگانی همچون علامه آخوند خراسانی، راهی نجف اشرف شد.

نه سال در درس آیت الله آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، صاحب کتاب کفایه الاصول حضور یافت و از محضر پرفیض آن فقیه بزرگ و علامه نامی بهره برد. همچنین در این مدت در خدمت آیت الله شریعت اصفهانی، معروف به شیخ الشریعه که از مفاخر مجتهدان به شمار می آمد، به تحصیل و تکمیل علم فقه و رجال پرداخت.

نبوغ، استعداد و درایت آیت الله بروجردی نقل محافل علمی نجف اشرف بود، به گونه ای که از هر کوچه و گذری که می گذشت، طلاب جوان و فضلای حوزه او را به یکدیگر نشان می دادند و می گفتند: آقا حسین بروجردی، این شخص است. ایشان پس از مدتی حوزه درسی تشکیل داد و فضلای بسیاری در محضرش به کسب دانش پرداختند. ایشان در مدت کوتاهی، در ردیف استادان برجسته دروس سطح قرار گرفت و هر روز بر شهرت و احترامش افزوده شد.(۱)

۴. بازگشت به بروجرد

۴. بازگشت به بروجرد

آیت الله بروجردی در اواخر سال ۱۳۲۸ ه .ق پس از نه سال سکونت در نجف در

۱- نک: علی دوانی، زندگانی آیت الله بروجردی، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۲، ص ۹۷.

حالی که از آیت الله آخوند خراسانی و آیت الله شریعت اصفهانی اجازه اجتهاد گرفته بود، به وطن بازگشت و با استقبال پرشور علما و عموم اهالی بروجرد روبه رو شد.

شش ماه پس از ورود، پدر دانشمندش بدرود حیات گفت و او را سوگوار کرد. پس از مدتی مرغ دلش هوای پر گشودن به سوی نجف را کرد، ولی چون جانشین پدر و سرپرست خواهر و برادر صغیرش بود، دیگر نتوانست به نجف بازگردد. ازاین رو، در بروجرد ماند و سی وسه سال از عمر پربرکت خویش را به تدریس گذراند و شاگردان بسیاری تربیت کرد. در این دوره، علما و فضلای فراوانی که حتی از شهرهای اطراف برای استفاده از محضرش می آمدند، از درس فقه و اصول وی بهره جستند.

ایشان در اوقات فراغت خود، کتاب هایی در فقه، اصول، رجال و حدیث می نگاشت که شماری از کتاب های سودمند او، یادگار آن زمان است.

گذشته از تدریس و نگارش، به سبب تسلط بسیاری که در نقل آیات قرآن و احادیث و تاریخ پیشینیان داشت، به منبر می رفت و به موعظه مردم می پرداخت.(۱)

۵. اوضاع حوزه علمیه قم، قبل از ورود آیت الله بروجردی

۵. اوضاع حوزه علمیه قم، قبل از ورود آیت الله بروجردی

آیت الله سید محمدباقر سلطانی طباطبایی در این باره می گوید:

بر اثر توطئه ها و فشارهای رضاخانی، وضع حوزه بسیار نامناسب بود. این مشکلات از زمان کشف حجاب و متحدالشکل شدن [لباس] ایرانیان شروع شد. مشکلات باعث شد که مجموعه طلابِ ساکن در مدارس به حدود سیصد نفر برسد. طلاب را دستگیر می کردند و در شهربانی لباس ها را از کمر قیچی می کردند. تحمل آن دشواری ها بسیار سخت بود. شبی ریختند مدرسه فیضیه و گفتند از فردا نباید کسی با لباس مخصوص روحانیت از مدرسه خارج شود. ناگزیر بعضی از طلاب روزها به باغ ها و

۱- نک: همان، ص ۱۰۱.

محله های اطراف قم پناه می بردند و شب به مدرسه برمی گشتند. زندگی در باغ ها و محله های بیرون از شهر با کمبود لوازم، بسیار دشوار بود. البته این فشارها کم و زیاد می شد. دستور تازه که می رسید، مأمورین سخت می گرفتند. چند روزی که از دستور می گذشت، اوضاع بهتر می شد. به هر حال، وضع خسته کننده ای بود. رضاخان که مُرد، این گونه مشکلات از بین رفت و رفته رفته آقایان به قم برگشتند و جمعیت حوزه تقریبا به چند صد نفری رسید. این برگشت طلاب و گشایش نسبی در زندگی آنان، هم زمان شد با آمدن آیت الله بروجردی به قم... توجه به روحانیت [هم] بیشتر شد و تبلیغات گسترش یافت. زمان فوت ایشان، جمعیت حوزه به حدود هفت هزار نفر رسیده بود.(۱)

۶. حضور در قم

۶. حضور در قم

در اواخر سال ۱۳۶۳ ه .ق، آیت الله بروجردی را که به سبب بیماری وضع مزاجی بسیار وخیمی داشت، برای درمان به تهران بردند. هنگام گذشتن از قم، ایشان از خواب برخاست و نگاهش به چراغ های شهر قم افتاد. پرسید: اینجا کجاست؟ همراهان گفتند: قم است. منظره شهر قم آن هم در دل شب، اثر عمیقی در دل دردمند آن عالم ربانی بر جای گذاشت و در حالی که اتومبیل، شهر قم را پشت سر می گذاشت، تصمیم گرفت اگر از بیماری شفا یافت، باقی مانده عمر را در شهر مذهبی قم، کنار مرقد منور حضرت فاطمه معصومه علیهاالسلام، دخت والاتبار امام هفتم علیه السلامبگذراند.

آیت الله بروجردی بیش از دو ماه در بیمارستان فیروزآبادی شهر ری بستری بود. در این مدت، جمعیت بسیاری از جمله فضلا و مدرسان حوزه علمیه قم به دیدار ایشان شتافتند و با تشریح وضع حوزه، با اصرار فراوان از ایشان خواستند سرپرستی حوزه قم را بر عهده گیرد. در این

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۴۷.

میان، حضرت امام خمینی رحمه الله که از استادان بزرگ و بنام حوزه بود، بیش از دیگران بر این امر اصرار می ورزید.

میل قلبی آیت الله بروجردی برای سکونت در شهر مذهبی قم و عمل به استخاره قرآنی و دعوت رسمی بزرگان علما و مدرسان سرشناس حوزه قم، سبب شد ایشان در چهاردهم محرّم ۱۳۶۴ هـ . ق، برابر با نهم دی ماه ۱۳۲۳ وارد قم شود. وی هنگام ورود به قم، با استقبال پرشور و وصف ناشدنی صدها نفر از علمای اعلام، دانشمندان بزرگ، مدرسان، طلاب و نیز جمعیت بسیاری از بازاریان و دیگر اهالی قم روبه رو شد.

ایشان تا آخر عمرِ پر برکت خود در قم ماندگار شد و شانزده سال به رهبری شیعیان جهان و نشر و ترویج علوم اهل بیت علیهم السلام پرداخت.(۱)

۷. تحولات حوزه علمیه قم

۷. تحولات حوزه علمیه قم

با اصرار و دعوت علما و مردم قم از آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی در سال ۱۳۰۱، ایشان از اراک به قم رفت و با تأسیس حوزه علمیه قم خدمت بزرگی به اسلام و آیین تشیع کرد.

پس از رحلت ایشان در بهمن ۱۳۱۵ سه تن از مجتهدان بزرگ و شاگردان آن عالم ربانی؛ یعنی آیات عظام سید محمد حجت تبریزی، سید صدرالدین صدر و سید محمدتقی خوانساری، به طور جمعی، سرپرستی حوزه را به عهده گرفتند و مانع از هم پاشیدن آن شدند.(۲)

با ورود آیت الله بروجردی در ۱۳۲۳ به قم، شورای سرپرستی حوزه، مسئولیت حوزه را به ایشان واگذار کرد و آن فقیه فرزانه به مدت شانزده سال، در کنار رهبری جهان تشیع توانست دگرگونی های مهمی در حوزه پدید آورد که از آن جمله به

۱- نک: زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۰۶.

۲- زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۰۶.

جنبش تألیف، تصنیف و ترجمه می توان اشاره کرد.

ایشان بارها در مجالس مذهبی یا هنگام تدریس، از کوشش فضلای حوزه و دانشمندانی که به کار پژوهش مشغولند و مشقت های آن را به جان خریده اند، تمجید می کرد و می فرمود: «بسیار خوش وقتیم که فضلای حوزه زحمت می کشند و در علوم دینی بحث و بررسی می کنند و آثار خوبی از خود به یادگار می گذارند.» سخنان متین ایشان اثر عمیقی در روحیه طلاب و محصلان حوزه بر جای می گذاشت. مرجع شیعیان، طلاب را به تحصیل، تشویق و از آنها به سبب آثاری که از خود بر جای می گذاشتند، قدردانی و در نتیجه، در شیوه نگارش عربی و فارسی فضلای حوزه، جنبشی فکری پدید آمد. در سایه توجه آن عالِم محقق، کتاب های پرمحتوا و سودمندی در تمام رشته های دینی، فلسفی، اخلاقی، اجتماعی و ادبی منتشر شد. در این مدت، سیصد عنوان کتاب در فقه، اصول، فلسفه، منطق، کلام، تفسیر، حدیث، رجال، درایه و رد مکتب های مادی و ادبیات فارسی نگارش یافت. این عنوان ها در ۳۴۶ هزار جلد چاپ شد و در دست رس صدها هزار مشتاق علم و معرفت در داخل و خارج کشور قرار گرفت. یکی از نویسندگان مؤسسه اطلاعات که در ایام رحلت آیت الله بروجردی به قم رفته و از نزدیک، شاهد اوضاع بود، در مجله اطلاعات هفتگی درباره دگرگونی های حوزه علمیه قم این گونه می نوشت:

حوزه علمیه قم در پانزده سال ریاست عالیه حضرت آیت الله بروجردی به سرعت راه ترقی و نیرومندی مترقیانه ای را می پیماید. علاوه بر افزایش مدرسین، حوزه های درسی و محصلین علوم دینی، تحول بزرگ و بی سابقه ای نیز در چگونگی تربیت شاگردان این دانشگاه بزرگ پدیدار شد. بدین ترتیب که نسل جدیدی از روحانیون و طلاب پرورده شدند که بسیار روشن فکر و قادر به درک تحولات علمی و اجتماعی و موقع شناسی و آشنا به سیاست جهانی و علوم جدیدند. کسانی که به کشورهای غیرمسلمان و مسلمان برای تبلیغ رفتند، از همین گروه بودند و

موفقیت هایی که به دست آورده اند، گواه آن است که پیروزی روحانیت شیعه و اسلام در آینده به مراتب دامنه دارتر خواهد بود.(۱)

آیت الله بروجردی رحمه الله وظیفه خود می دانست که حوزه را از نابسامانی نجات دهد. ازاین رو، فعالیت های تند سیاسی را به صلاح حوزه نمی دانست؛ چون می ترسید شیرازه آن از هم بپاشد و دیگر برای آینده نتوان کاری کرد. ایشان در دورانی نسبتا طولانی برای بازسازی حوزه همت گماشت؛ زیرا در آن زمان حوزه گرفتار فقر شدیدی بود و همچنین از نظر علمی نیز رشد قابل توجهی نداشت. بنابراین، حوزه را برای حرکت عمیق علمی و سیاسی و اجتماعی آماده کرد.

آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله، در این باره می گوید:

به نظر من، آیت الله بروجردی و تلاش های آن بزرگوار زمینه ساز انقلاب اسلامی بود؛ زیرا ایشان به حوزه قم رشد داد، شخصیت داد. مبارزات حضرت امام خمینی رحمه الله در پرتو این شخصیت حوزه بود که به ثمر نشست. اگر نبود این هویت و عظمت حوزه که آیت الله بروجردی بدان بخشیده بود، مسلما انقلاب و حرکتی سازنده پا نمی گرفت.(۲)

همچنین حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی درباره نقش آیت الله بروجردی در پی ریزی انقلاب می گوید:

بعد از خفقان شدید رضاخان قزاق و قلع وقمع کردن روحانیت و ممنوع کردن لباس روحانیت و بستن مدرسه های علمیه و حسینیه ها و مساجد، در ابتدای حکومت محمدرضا پهلوی که ضعیف بود و نمی توانست آن سیاست را تعقیب بکند، یکی از کارهای بسیار مهم و باارزش شیعه که

۱- همان، ص ۱۳۶.

۲- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۵.

مرحوم آیت الله العظمی بروجردی سهم عظیمی در این کار دارند، تشکیل و توسعه حوزه علمیه قم و حوزه های دینی بود.

در ده سال، بین ۱۳۳۰ تا ۱۳۴۰ که روحانیت تا حدودی خاموش است، حوزه علمیه قم کاری کرد شبیه کاری که امام صادق علیه السلام کرد. هزارها طلبه پرشور، متدین، بامطالعه و آشنای به مسائل روز تربیت شدند و اینها ذخیره انقلاب شدند و اگر اینها نبودند، محال بود در ایران بشود رژیم پهلوی را شکست. البته با معجزه چرا، اما اینها با مراحل طبیعی [انقلاب]کردند؛ هزارها طلبه که سالی چند بار می رفتند تا اعماق روستاها و معرفت و انقلاب [را]می بردند و برمی گشتند به حوزه و از آنجا احساس مردم را و درک مردم را و نیاز مردم را و واقعیت جامعه را به حوزه منتقل می کردند.(۱)

۱- همان.

فصل دوم: ویژگی های علمی

۱. استادان

۱. استادان

آیت الله بروجردی در دوران تحصیل خود از محضر بزرگانی همچون آخوند خراسانی، سید محمدباقر دُرچه ای، علامه میرزا ابوالمعالی کلباسی، آخوند کاشی و جهانگیرخان قشقایی بهره جست. حجت الاسلام سیدجواد علوی بروجردی می گوید:

ایشان در تمام مدت نه سال اقامت در نجف، در درس مرحوم آخوند خراسانی شرکت داشته و از جهات مختلف مورد عنایت خاص ایشان بود. بنا بر نقل خود ایشان، روزی که به حوزه درس مرحوم آخوند وارد شدم، از جمله جوان ترین طلاب درس ایشان بودم. مرحوم آخوند خراسانی که با مهارت خاصی، حوزه بزرگ و پرجنجال نجف را اداره می نمودند، زیاد به اشکالات اشخاص توجه نمی کردند و من هم در چند روز ابتدای ورودم به درس ایشان، اشکالاتم را در کاغذی یادداشت می کردم. در یکی از همان روزها در مجلسی که مرحوم آخوند حضور داشت، از جای خود برخاسته و اشکالاتی را که قبلاً نوشته بودم، به دست ایشان دادم. آخوند بعد از اینکه نگاه دقیق به صورتم نمود، کاغذ را از دستم گرفت و به صورت سطحی شروع به مطالعه کرد، ولی هرچه بیشتر نامه ام را مطالعه می کرد، با نظر دقیق تر و توجه بیشتری به مطالعه ادامه می داد. سکوت سنگینی فضای مجلس را فراگرفته بود. بعد از مدتی، سر از کاغذ برداشت [و] در حالی که قیافه ملاطفت آمیزی به خود گرفته بود، فرمود: حرف

ص: ۱۸

خوبی است. فردا در هنگام درس به من بدهید تا جواب بدهم.(۱)

۲. دامنه معلومات

۲. دامنه معلومات

مرتضی مطهری رحمه الله در این باره گفته است:

آقای بروجردی در فقه و اصول، مرد فوق العاده متبحر و صاحب نظری بود و بر تفاسیر قرآن هم مسلط بود و بیش از نصف قرآن را حفظ بود. ادبیات عربش فوق العاده خوب بود. انسان باور نمی کرد که یک مرد فقیه، به ادبیات فارسی هم این چنین مسلط باشد. گاه می شد که به یک مناسبتی شعری از مولوی یا حافظ می خواند. انسان می فهمید که او تا بر اینها مسلط نباشد، نمی تواند اینها را به یک مناسبتی در جای خود بخواند. در اطلاعات تاریخی هم خوب بود.(۲)

۳. ابتکار، نه تقلید

۳. ابتکار، نه تقلید

استاد مطهری رحمه الله در این باره می گوید:

از آقای بروجردی اغلب ایراد می گرفتند که کم استاد دیده و از نظر ما حُسنش همین بود که خیلی استاد ندیده بود. البته ایشان هم کم استاد ندیده. ده و دوازده سال استادهای درجه اول دیده اند؛ نه سال نجف و سه و چهار سال اصفهان استاد دیده بود، ولی نجفی ها قبولش نمی کردند و می گفتند این استاد کم دیده، مثلاً باید سی سال استاد دیده باشد. البته ایشان به همین دلیل که کمتر استاد دیده بود، ابتکارش از اغلب آن علما بیشتر بود؛ یعنی فکر می کرد [و]مسائل مطرح شده او از فکر خودش بود.(۳)

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۳۱۲.

۲- شهید مطهری، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱، ص ۱۴۴.

۳- شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷، ص ۲۴.

۴. حافظه قوی

۴. حافظه قوی

آیت الله فاضل لنکرانی در این باره بیان می دارد:

حافظه ایشان از عجایب روزگار بود. با آنکه پرمطالعه بود، ولی همه آنچه را که خوانده بود و می خواند، به خوبی در حافظه خویش نگه می داشت. شواهد در زندگی ایشان بر این ادعا بسیار است. نمونه ای را که برای خود من اعجاب انگیز بوده است، نقل می کنم: روزهای پنج شنبه و جمعه اول صبح بنده به همراه پسر و داماد آقای بروجردی و چند تن دیگر از فضلا به خدمت ایشان می رفتیم. آقای بروجردی درباره علم رجال و سند روایات، مطالبی به صورت رمز نوشته بودند. ایشان این رمزها را توضیح می دادند و این گروه به صورت تفصیلی آنها را در فیش هایی یادداشت می کردند. یکی از روزها درباره یک راوی حدیث، داستان مفصلی نقل کردند. این داستان با تمام جزییات حدود نیم ساعت طول کشید. آن گونه که ایشان دقیق نقل احوال آن شخص را نمودند، به ذهن من آمد حتما آقا دیشب درباره این راوی تصادفا مطالعه ای داشته اند. داستان که به پایان رسید، فرمودند: من این جریان را در چهل ودو سال قبل در فلان کتاب مطالعه کرده ام. همه تعجب کردیم از این حافظه قوی. معمولاً افرادی که حافظه قوی دارند، استعدادشان قوی نیست، ولی ایشان از کسانی بودند که هم استعداد و هم حافظه قوی داشتند.(۱)

۵. عوامل درخشش آیت الله بروجردی

۵. عوامل درخشش آیت الله بروجردی

آیت الله شیخ علی پناه اشتهاردی در این باره می گوید:

عواملی که به نظر من موجب درخشش آقای بروجردی شد، عبارتند از:

۱. جدیت کامل در امر تحصیل، به طوری که خود ایشان کرارا می فرمود:

ص: ۲۰

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۴۳.

از ابتدای جوانی ام تاکنون، وقتم را بیهوده مصرف نکرده ام.

۲. بی اعتنایی به مقام، چنان که روزی پس از اتمام درس فرمود: هر کسی درس می خواند به قصد اینکه به مقامی که من دارم برسد، سفیه است، سفیه!

۳. وجود برخی از حوادث طبیعی که از اراده ازلی خداوند نشئت می گیرد، مانند رحلت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، رحلت مراجع و زعمای ثلاث (آیت الله حجت، صدر، خوانساری) در طول دو سال در قم، رحلت بسیاری از مجتهدین معروف نجف اشرف، مانند آیات عظام اصطهباناتی، آقا ضیاءالدین عراقی، سید جمال الدین گلپایگانی و حاج آقا حسین قمی (قدس اللّه اسراهم) که شاید همین مهم ترین عامل باشد.

۴. استعداد کامل و عقل اداره جامعه و نیز تحمل بلاها و مصایب مختلف.(۱)

۶. روش تدریس و دیدگاه های فقهی

۶. روش تدریس و دیدگاه های فقهی

شهید مطهری رحمه الله درباره شیوه تدریس آیت الله بروجردی به ویژه روش فقهی ایشان گفته است:

معظم له به تاریخ فقه آشنا بودند و اسلوب های مختلف فقهی را می شناختند و یکی از مزایا و امتیازاتشان همین آشنایی به روش های مختلف فقهی شیعه و سنی بود. ضمن مقایسه مختصری بین روش ایشان و روشی که در یک قرن اخیر در حوزه معمول گردیده، فقها و اصولین در مبحث اجتهاد و تقلید یا در مبحث قضا و شهادات، چندین علم را نام می برند که مقدمه اجتهاد شمرده می شوند. می گویند شخص مجتهد باید این علوم را طی کرده باشد. این علوم عبارتند از: نحو، صرف، لغت، منطق، کلام، اصول، تفسیر، حدیث و رجال (شناخت راوی حدیث). علمای حوزه از یک قرن

۱- همان، ص ۱۹۳.

پیش به این طرف معتقد بودند و در کتب خود تصریح می کردند آن چیزی که مهم و اساسی است، علم اصول است و عملاً چندان توجهی به سایر علوم نمی کردند، بلکه بعضی از آن علوم همچون تفسیر و حدیث و رجال حتی به طور مختصر هم در حوزه تدریس نمی شد؛ زیرا به عقیده آنان، دانستن مقداری ادبیات عرب کافی است که در موقع لزوم به تفسیر آیه قرآن رجوع شود و همچنین درباره حدیث و شناخت رجال؛ زیرا معتقدند با وجود کتبی همچون وسائل الشیعه شیخ حر عاملی، از پرداختن جدی به این علم هم بی نیاز می شویم و با کتب فقهی جامعی همچون مفتاح الکرامه، سید جواد عاملی و جواهرالکلام شیخ محمدحسن نجفی از تتبع در کتب فقهیه هزار ساله شیعه نیز بی نیاز می شویم و در این میان صرفا تسلط بر علم اصول فقه راه را برای رسیدن به اجتهاد هموار می سازد، ولی آیت الله بروجردی عملاً این چنین نبود؛ چرا که اولاً ایشان به تاریخ فقه آشنا بود و سبک فکرهای مختلف علمای گذشته و حال را می شناخت و بعضی را قبول داشت و از بعضی انتقاد می کرد و ثانیا بر علم حدیث و رجال و کتبی که در این باره نوشته شده بود، تسلط کامل داشت. ثالثا بر فقه سایر فِرق مسلمین و روش و مسلک آنها تسلط کافی داشت و همین خصوصیات باعث می شد وقتی ایشان در مورد روایتی جهت استنباط حکم شرعی به بحث ونظر می پرداخت، با توجه عمیق به همه علوم، معنا و مفهوم جدیدی برخلاف فهم متعارف فقهای معاصر در منظر دانش پژوهان ارائه نماید و اصولاً همین سبک و سلیقه او در فکر و سلیقه حوزه علمیه قم زیاد اثر کرد و تا حد زیادی نیز روش های متعارف را عوض کرد.(۱)

۱- نک: شهید مطهری، تکامل اجتماعی انسان، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳، ص ۱۹۶.

۷. دیدگاه آیت الله بروجردی در مورد ولایت فقیه

۷. دیدگاه آیت الله بروجردی در مورد ولایت فقیه

آیت الله حسین نوری همدانی در این باره می گوید:

آقای بروجردی در مسئله ولایت فقیه خیلی وسعت نظر داشتند. آن موقعی که طرح توسعه حرم حضرت معصومه علیهاالسلام و احداث مسجد اعظم مطرح شد، با تعدادی مقبره مواجه شدند که باید تخریب و ضمیمه صحن مسجد می شد. اینها یا خریدنی نبودند یا ورثه مشخصی نداشتند. مشکل را با آقای بروجردی در میان گذاردند و ایشان جهت شروع عملیات ساختمانی، دستور تخریب مقبره های مذکور را دادند. این رأی و نظر آقا از سوی یکی از علمای مشهور قم مورد سؤال واقع شد که شما برای فقیه چه سمتی قائل هستید که دستور به هم زدن این مقبره ها را داده اید؟ آقای بروجردی در جواب فرمودند: ما فقیه را در قدرت و اختیار، در ادامه مقام امام معصوم علیه السلام می دانیم.(۱)

۸. آثار علمی

۸. آثار علمی

حجت الاسلام علی دوانی در این باره بیان می دارد:

آیت الله فقید در طول عمر طولانی و پرارزش خود آثار قلمی و کتب و رسائل بسیاری نوشته اند که قسمت عمده آن باقی است. آقا خودشان می فرمودند: «... زیاد چیز نوشته ام؛ بعضی تمام و قسمتی ناتمام و بعضی بر اثر نقل و انتقال از بروجرد به قم مفقود شده است».

کتاب های آقای بروجردی از نظر لفظ و معنا بسیار پرمغز و استوار به قلم آمده است و همه آنها سرشار از مطالب عالی علمی و نکات مهم فقهی و اصولی و رجالی است. فهرست آثار ایشان به شرح زیر است:

۱- محمد علی آبادی، الگوی زعامت، انتشارات عصمت، ۱۳۷۸، ص ۱۱۱.

الف) حاشیه کفایه الاصول اثر آخوند خراسانی که در زمان حیات استاد نوشته شد و بارها دانشمندان نجف از آقای بروجردی خواستند تا این کتاب را برای آنها بفرستد تا از پژوهش های بکر آن استفاده و در صورت امکان چاپ کنند، ولی ایشان حاضر نمی شد کتابی که دربردارنده نقد و اعتراض به مطالب علمی و تحقیقی استادش بود، در دست رس عموم باشد. به همین دلیل، حتی در مدتی که در قم بود، از چاپ این کتاب خودداری می ورزید.

ب) حاشیه بر کتاب نهایه اثر شیخ طوسی رحمه الله.

ج) نگارش کتابی در علم فقه، از اول طهارت تا آخر دیات.

د) حاشیه بر کتاب فهرست اثر شیخ منتجب الدین رازی در علم رجال. این حاشیه، از خود کتاب فهرست رازی، بزرگ تر و شامل نکات دقیق و عالی در علم رجال است.

هـ) حاشیه بر کتاب مبسوط اثر شیخ طوسی رحمه الله. در چاپ کتاب مبسوط اشتباه هایی رخ داده بود که آقای بروجردی متوجه آن شد. به جز آن، بخشی نیز به نام کتاب قِراض از کتاب مبسوط شیخ در چاپ اول جا افتاده بود که ایشان تصحیح و با افزودن آن، کتاب مبسوط شیخ رحمه اللهرا کامل کرد.

و) رساله ای درباره سند صحیفه سجادیه و پاسخ به اشکالاتی که بر سند این کتاب وارد شده بود.

ز) کتاب بیوت الشیعه در معرفی خاندان های علمی شیعه.

ح) کتاب هایی درباره مرتب کردن و بررسی سندهای روایات کتاب های معروف روایی و رجالی همچون کتاب اصول کافی ثقه الاسلام کلینی؛ تهذیب شیخ طوسی؛ من لایحضره الفقیه شیخ صدوق؛ استبصار شیخ طوسی؛ خصال شیخ صدوق؛ امالی شیخ صدوق؛ علل الشرایع شیخ صدوق؛ رجال کشی؛ رجال نجاشی؛ فهرست شیخ طوسی.

ط) حاشیه بر وسائل الشیعه شیخ حر عاملی؛ حاشیه بر کتاب خلاف شیخ طوسی؛

ص: ۲۴

یا) الفقه الاستدلالی؛

یب) حاشیه بر عروه الوثقی سید محمدکاظم یزدی؛

یج) حاشیه بر فوائدالاصول شیخ انصاری؛

ید) حاشیه بر منهج الرشاد شیخ جعفر شوشتری؛

یه) حاشیه بر مجمع الرسائل محمدحسن جزّی اصفهانی؛

یو) حاشیه بر منتخب الرسائل سید ابوالقاسم اصفهانی؛

یز) حاشیه بر وسیله النجاه، سید محمدکاظم یزدی.

آیت الله بروجردی در احیای کتاب های پرارزش علمی علمای گذشته که به فراموشی سپرده شده بودند، نقش مهمی داشت. ایشان با اراده قوی و تلاش پی گیر توانست این کتاب ها را از دور و نزدیک پیدا کند و پس از تصحیح جهت استفاده در دست رس دانش پژوهان قرار دهد. از جمله این کتاب ها می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. چاپ اول کتاب خلاف شیخ طوسی رحمه الله که درباره مسائل فقهی مورد اختلاف شیعه و سنی نوشته شده و برای مجتهدان جهت فهم صحیح منابع صدور فتوا درباره احکام شرعی، نقش مؤثری دارد.

۲. چاپ اول کتاب قرب الاسناد عبدالله بن جعفر حمیری قمی از اصحاب معروف امام حسن عسکری علیه السلام که از کتاب های معتبر حدیث است. این کتاب مدت ها مفقود بود که حضرت آیت الله بروجردی نسخه خطی آن را در یکی از دهات ملایر پیدا کرد و پس از بررسی در قم چاپ کرد.

۳. چاپ اول کتاب جعفریات مربوط به علی بن جعفر، فرزند دانشمند امام جعفر صادق علیه السلام که دربردارنده پرسش هایی در زمینه مسائل فقهی از برادرش، حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است.

۴. چاپ اول کتاب جامع الرواه اثر حاج محمد بن علی اردبیلی از شاگردان

ص: ۲۵

علامه مجلسی. نویسنده، این کتاب را که از کتاب های ارزشمند در علم رجال است، در طول بیست سال نگاشت.

۵. چاپ اول چندین جلد از کتاب معروف مفتاح الکرامه نوشته سیدجواد عاملی.

۶. تدوین کتاب جامع احادیث شیعه که در تنقیح و تهذیب کتاب معروف و مهم روایی وسائل الشیعه، اثر شیخ حرعاملی است و حدود بیست تن از فضلا و استادان حوزه با نظارت آیت الله بروجردی در مدت چند سال آن را نگاشتند.(۱)

۱- نک: زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۹۰.

فصل سوم: ویژگی های اخلاقی

۱. توجه به نماز

۱. توجه به نماز

«آیت الله فقید به اوقات نماز و متعلقات آن بسیار اهمیت می دادند. نماز را فصل و با آداب و رعایت تمام خصوصیات می خواند. به همین جهت، نماز جماعت ایشان بیش از حد طول می کشید تا جایی که بعد از خاتمه نماز جماعت های دیگر که در مدرسه فیضیه و صحن مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام برگزار می شد، هنوز صدای تکبیرگوی آیت الله بروجردی در نماز مغرب بلند بود».(۱)

۲. اهمیت دادن به روزه

۲. اهمیت دادن به روزه

«ایشان در تمام عمر گران بهای خود، روزه ماه مبارک رمضان را گرفتند و اهمیت مخصوصی به آن می دادند. ایشان حتی در هشتاد و نه سالگی؛ یعنی آخرین سال عمرشان، تمام روزه ماه مبارک رمضان را گرفت و از نیمه ماه رمضان به نماز جماعت هم می آمدند. اطبا و از جمله پرفسور موریس فرانسوی، پزشک معالج آیت الله، کسالت قلبی ایشان را که منجر به بیماری و بالاخره فوت آن مرحوم گردید، ناشی از روزه ماه رمضان مصادف با سال آخر عمرشان دانستند. آیت الله فقید در اواخر عمرشان می فرمود: «از روزی که بالغ شدم تاکنون، نه در ماه رمضان مریض شدم و نه مسافرت کردم که ناگزیر شوم روزه ام را بخورم و تا ابد هم بدون عذر شرعی، روزه گرفتن را ترک نخواهم کرد».(۲)

۱- همان، ص ۱۶۶.

۲- همان، ص ۱۶۵.

۳. مداومت در خواندن قرآن مجید

۳. مداومت در خواندن قرآن مجید

آیت الله بروجردی در ایام جوانی آن گاه که در اصفهان به سر می برد، آیات بسیاری از قرآن را حفظ کرده بود، به ویژه آیات احکام را که مدارک احکام فقهی است ــ در حدود پانصد آیه ــ همه را حفظ بود.

ایشان در اوقات فراغت به تلاوت قرآن مجید می پرداخت و این مداومت در ماه مبارک رمضان پیش از افطار و بعد از وضو و قبل از رفتن به مسجد و هنگام تعقیبات نمازها بیشتر دیده می شد. ایشان اغلب برای درک ثواب بیشتر قرآن را می گشود و از رو می خواند و درباره اهمیت حفظ قرآن می فرمود: «از حفظ داشتن قرآن، توشه ای برای انسان است. افسوس بر کسی که از دنیا برود و توشه ای نداشته باشد».(۱)

۴. سوگواری در ماتم امام حسین علیه السلام

۴. سوگواری در ماتم امام حسین علیه السلام

«آقای بروجردی عزاداری خامس آل عبا علیه السلام و سایر ائمه اطهار علیهم السلام را هر سال در خانه خودشان در قم برگزار می کردند و در بروجرد هم این وضع برقرار بوده است. در تمام ایام مصیبت و سوگواری ائمه علیهم السلام متأثر و منقلب بودند. هنگامی که سخنوران دینی موعظه می کردند و یا مصیبت می خواندند، به دقت گوش می دادند و زود منقلب شده، اشک از دیدگان فرو می ریختند. در این حالت، بدنشان هم به سختی تکان می خورد».(۲)

۵. توجه خاص حضرت امام حسین علیه السلام به آیت الله بروجردی

۵. توجه خاص حضرت امام حسین علیه السلام به آیت الله بروجردی

آیت الله بروجردی رحمه اللهتا آخر عمر؛ یعنی در ۸۹ سالگی با توجه به اینکه ایشان شب و روز مشغول مطالعه و نوشتن بود، بینایی چشمش خوب بود و نیاز به عینک پیدا

۱- همان، ص ۱۶۴.

۲- همان، ص ۱۶۶.

نکرد و همین امر سبب شگفتی دکترهای متخصص چشم شده بود.

راز این امر را روزی آن بزرگوار چنین بیان داشت:

من در بروجرد بودم. چشم درد سختی داشتم و هرچه معالجه کردم، نتیجه نگرفتم. حتی دکترهای بروجرد از معالجه چشمم مأیوس گردیدند تا اینکه ایام عاشورا شد. دسته جات سینه زن طبق معمول به منزل ما می آمدند، در حالی که هیئت عزادار را می نگریستم و اشک می ریختم و از ناحیه درد چشم نیز ناراحت بودم، به دلم گویی الهام شد که کمی از گِلی را که عزاداران به مناسبت عاشورای حسینی به سر و صورت مالیده اند، بردارم و به چشم بمالم؛ همین کار را کردم. همان لحظه احساس آرامش نمودم و به طور کلی درد چشم رفع شد و دیگر به عینک محتاج نشدم و بعدا هم در چشم خود نور و جلایی دیدم که خط بسیار ریز را هم می دیدم.(۱)

درباره قدرت دید آقای بروجردی نقل کرده اند: «قرآنی که ایشان تلاوت می کردند، یک نسخه قدیمی بود که در اوایل تغییر خط کوفی به نسخ ریز نوشته شده بود که درست خوانده نمی شد، ولی ایشان در اواخر عمرشان نیز به آسانی از روی آن تلاوت می کردند».(۲)

۶. ساده زیستی

۶. ساده زیستی

آیت الله بروجردی در تمام دوران زندگی، ساده زیستی را اختیار کرده بود هرچند ایشان از خانواده ای ثروتمند بود و اموال پدری بسیار داشت ولی در زمان جوانی و پیری و حتی زمانی که در بروجرد به سر می برد و نیز هنگامی که یگانه مرجع شیعیان جهان بود، هیچ گونه تغییری در برنامه زندگی و خوراک و پوشاک ایشان پیدا نشد. لباس های ایشان همه ساده بود. غذای ایشان نیز ساده بود و بیشتر به خوردن

ص: ۲۹

۱- عبدالرحمان باقرزاده، زندگانی امام حسین علیه السلام، انتشارات حضرت معصومه علیهاالسلام، ۱۴۱۸ هـ . ق، ص ۱۹۲.
۲- زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۶۷.

سبزیجات و لبنیات بسنده می کرد. به گفته یکی از پزشکان ایشان، راز طول عمر و سلامت مزاج او نیز در همین غذای ساده نهفته بود. یکی از علما در حضور فرزندان آیت الله می گفت:

روزی به خدمت ایشان رسیدم، دیدم مشغول صرف ناهار هستند و نان و آب دوغ خیار میل می کنند. عرض کردم: شما در این سن و با این همه کار، چرا غذای بهتر میل نمی کنید؟ فرمود: هشتاد سال است من این طور سر کرده ام. حالا شما می خواهید مرا عوض کنید؟ فرزندان آیت الله فقید ضمن تأیید این مطلب فرمودند ایشان اصولاً چنین بودند و اصلاً توجهی به دنیا نداشتند و ما نمی توانستیم تغییری در وضع ایشان بدهیم.(۱)

یک روز پیش از رحلت آیت الله بروجردی، یکی از خبرنگاران معروف خارجی به نام «تنیا» به قم می آید و به وسیله پزشک مخصوص آیت الله به منزل ایشان راه می یابد، ولی چون آقا از ملاقات ممنوع بوده اند، توفیق ملاقات پیدا نمی کند. خبرنگار وقتی می بیند نمی تواند آقا را ملاقات کند، به آقای علوی، داماد ایشان می گوید: «اگر ممکن است چند کتاب انگلیسی که راجع به اسلام نوشته شده است، به من معرفی کنید تا مطالعه کنم.» آقای علوی جواب مثبت می دهد. کیفیت و سادگی و بی تکلفی منزل آیت الله که هیچ گونه تشریفات نداشته، طوری او را تحت تأثیر قرار می دهد که بی اختیار به در و دیوار آن می نگرد و قیافه تعجب آمیزی به خود می گیرد و در آخر می گوید: «اسلام تبلیغات نمی خواهد. بزرگ ترین تبلیغات برای اسلام همین زندگی ساده رهبران آن است؛ مردی که خبر کسالت او دنیا را متوجه قم و خانه او کرد. خانه او قدیمی و بسیار ساده است. وقتی انسان این خانه ساده را با خانه مجلل و تشکیلات مفصل و تشریفات دربار پاپ مقایسه می نماید، تعجب می کند که چگونه مردی با این همه نفوذ و قدرت در چنین خانه ساده ای زندگی می کند.» آن خبرنگار

۱- نک: همان، ص ۱۷۷.

خارجی و شاید بیشتر کسانی که به خانه آیت الله بروجردی آمده اند، شاید نمی دانستند که خانه ایشان در عرض شانزده سالی که بر دنیای شیعه رهبری می کرد، استیجاری بود.(۱)

۷. توجه به ستم دیدگان

۷. توجه به ستم دیدگان

آیت الله بروجردی به سبب داشتن روحی بلند و دردآشنا، پیوسته در اندیشه محرومیت زدایی از جامعه بود و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی کرد.

آیت الله سید جلال الدین علوی بروجردی می گوید: «در یکی از روزهای سخت قحطی بروجرد که آقا از مسجد سلطانی پس از اقامه نماز جماعت برمی گشت، با منظره ای روبه رو می شوند که بسیار ایشان را متأثر و ناراحت می کند. زنی در حالی که بچه شیرخواری در بغل و دست چند بچه قد و نیم قد را هم به دست گرفته و یک شی سیاه رنگ را که به نام نان به مردم می دادند، در دست داشت، جلوی آقا را گرفته و در حالی که اشک از دیده او و اطفال بی جان و بی رمقش بر روی گونه هایشان سرازیر بود، با زبان ساده، ولی مؤثر گفت: آقا شما جانشین امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف هستی. این نان را این بچه ها چه طور بخورند؟ اگر شما به داد ما نرسی، پس ما کجا برویم؟ من بعد از چند ساعت معطلی این نان را با قیمت گران به دست آورده ام، ولی بچه هایم نمی توانند آن را بخورند. آقای بروجردی در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود، بعد از دادن مقداری پول به آن زن فرمود: «امیدوارم بتوانم برای عموم فقرا کاری بکنم.» بعد مستقیما به خانه آمدند و در حالی که بسیار متأثر بودند، جمعی از بزرگان شهر و تجار و متمکنین را به خانه خود دعوت کردند و با بیانات دل نشین خود حس رأفت و عطوفت آنها را تحریک و مردم را تشویق به کمک کردن به بیچارگان نمود. در نتیجه، سرمایه ای فراهم و گندمی خریداری می کند و نان

ص: ۳۱

۱- همان، ص ۱۸۷.

ارزان قیمت در اختیار فقرا قرار می گیرد و با کمک های مردمی یک کارگاه بافندگی دستی خوبی هم تأسیس و بی کاران را هم در آنجا به کار گماردند و با این تدبیر و توجه، جمع کثیری که در معرض تلف بودند، نجات پیدا کرده و زندگانی بعضی از آنها هم اداره شد».(۱)

در یکی از سال های گرانی که مردم بروجرد از نظر زندگی، سخت در تنگنا بودند، آقای بروجردی خانه خودشان را فروخت و به مصرف فقرا رساند. به علاوه، املاک زیادی که از پدرشان به ارث برده بود، به مرور ایام فروخت و صرف فقیران کرد. یکی از نزدیکان ایشان می گفت: «املاک ایشان در اطراف شهر بروجرد بود و معروف به قصبه. یک روز از آنجا گذشتیم و دیدیم از آن همه املاک، دیگر حتی یک وجب هم برایشان باقی نمانده است».(۲)

آیت الله فاضل لنکرانی رحمه الله درباره توجه آقای بروجردی به محرومان می گوید:

مرحوم پدرم نقل می کردند: آقای بروجردی پادرد داشتند. به همین جهت، یکی دو سفر به آب گرم محلات رفتند. در یکی از این سفرها که مردم اطراف متوجه شده بودند، به دیدن ایشان آمدند. از جمله عده زیادی از فقرا هم آمده بودند که آیت الله بروجردی به آنان کمک کند. ایشان ضمن اینکه به فقرا پول دادند، دستور دادند چند تا گوسفند بخرند و ذبح نموده و بین فقرا تقسیم کنند. پس از کشتن گوسفندان و تقسیم آنها بین فقرا، به اندازه نیم کیلو گوشت برای آقا کنار گذاشته بودند تا یک وعده کباب برای ایشان تهیه کنند. سفره انداخته شد. ماست و خیار را گذاشتند. دو سه سیخ کباب هم که از همان گوشت تهیه کرده بودند، خدمت ایشان گذاشتند. آقا فرمودند: این کباب از کجاست؟ گفتند: از همین گوشت،

۱- الگوی زعامت، ص ۳۵.

۲- زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۷۶.

مقداری فقط برای شما درست کرده ایم. ایشان فرمودند: من این کباب را نمی خورم. اینها را نیز بین فقرا تقسیم کنید و آقا از همان غذا[ی] ساده (ماست و خیار) خوردند.(۱)

۸. سخاوت

۸. سخاوت

آیت الله سیدمصطفی خوانساری می گوید: «با آنکه ایشان بسیار ساده زندگی می کرد و با ماهی دو هزار تومان از اجاره ملکی که در بروجرد داشت، اداره می شد، ولی خیلی سخاوتمند بود. یادم هست یکی از روحانیون شهرستان ساوه مقداری سهم امام آورده بود. ایشان پول را گرفتند و مقداری هم روی آن گذاشتند به آن آقا باز گرداندند. این وضع به نظر یکی از اطرافیان ایشان سخت آمد و گفت: آقا! این شخص کتاب قوانین می خواند ــ یعنی وضع علمی اش خیلی بالا نیست ــ همان مقدار که آورده، برگردانید، کافی است. آقا فرمود: آیا زن و بچه اش هم قوانین می خوانند؟ یعنی آن شخص برای گذران زندگی خانواده اش به این مبلغی که داده ام، نیاز دارد و باز یادم هست که ایشان در زمان جنگ بین الملل دوم، ملکی در بروجرد داشتند که به شش هزار تومان فروخته بودند. پول این ملک در پاکتی بود. در همان اوقات بود که یکی از طلاب برای شصت تومان کرایه معوقه منزل خود، از آقا تقاضای کمک کرده بودند. ایشان به اندازه اجاره منزل آن آقا، پول در پاکتی گذاشته بود. وقتی آن شخص مراجعه کرد، اشتباها پاکت پول ملک را می دهند. آن روحانی پس از اطلاع از محتوای پاکت مراجعه می کند و پاکت را تقدیم آقا می کند، اما آقای بروجردی نمی پذیرند و پس نمی گیرند.

همچنین ایشان بسیاری از هدایایی را که برای او می آورند، هرگز مورد استفاده خودشان قرار نمی داد و همه را به دیگران می بخشیدند. برای مثال، از کابل و مشهد

ص: ۳۳

۱- نک: مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۴۸.

چند عدد پوستین برای ایشان آوردند، ولی همان سال زمستان، خود ایشان پوستین بر تن نداشتند. گاهی بخشی از عبای خودش پاره بود و به خاطر حجبی که داشت، پارگی را پنهان می کرد، ولی در همان زمان اگر عبای مرغوب و بهتری برای ایشان هدیه می آوردند، به دیگری می بخشید».(۱)

۹. نظم در برنامه زندگی

۹. نظم در برنامه زندگی

بدون شک ـ یکی از رموز موفقیت آیت الله بروجردی در اداره امور مسلمانان و انجام کارهای بی شمار مربوط به آنان، نظم در زندگی شخصی ایشان بود. ایشان همیشه دو ساعت پیش از اذان صبح از بستر خواب برمی خاست و به راز و نیاز با پروردگار خویش مشغول می گشت. پس از خواندن نماز شب، مدتی به مطالعه می پرداخت. سپس هنگام اذان صبح، نماز صبح را به جای می آورد. پس از تعقیبات نماز و خواندن قرآن، به مطالعه کتاب های مختلف مشغول می شد. آن گاه صبحانه مختصری که چیزی بیشتر از نان و پنیر نبود، می خورد و پس از آن به کتاب خانه شخصی خود می رفت و تا هنگام شروع تدریس خود که بیشتر اوقات از ساعت ۱۰ صبح آغاز می شد، در مورد درس آن روز به مطالعه می پرداخت و در این زمان هیچ کس را به حضور نمی پذیرفت. نزدیک ساعت ۱۰ صبح در مجلس درسی که بیشتر در حرم و صحن حضرت معصومه علیهاالسلام و همچنین مسجد اعظم برگزار می شد، حضور می یافت. در مجلس درسی که در حدود هزار نفر از دانشمندان بزرگ و فضلای مستعد حضور داشتند و آماده بهره گیری از محضر پرفیض آن علامه بزرگ بودند. ایشان یک ساعت روی منبر می نشست و به حاضران درس می آموخت. با دقت به اشکال های دانشمندان گوش فرا می داد و پاسخ آنها را بیان می فرمود. پس از درس به خانه برمی گشت و ملاقات عمومی داشت، به گونه ای که اشخاص و اقشار

۱- همان، ص ۶۵ .

مختلف می توانستند به حضورشان برسند و درخواست های خود را بازگو کنند یا آنها که به قصد دیدار ایشان آمده بودند و تنها می خواستند مرجع تقلید خود را ببینند، به این کار موفق می شدند. موضوع های گوناگونی در این جلسه ها بیان می شد و ایشان شخصا به همه آنها رسیدگی می کرد و دستورهای لازم را می داد. هنگام ظهر مجلس عمومی به پایان می رسید. در این زمان ایشان به اندرونی می رفت و خود را برای نماز ظهر آماده می ساخت. پیش از آنکه وضو بگیرد و همچنین پس از آن و در میان وضو، آیاتی چند از قرآن کریم می خواند و سپس نماز ظهر و عصر خویش را به جای می آورد و پس از تعقیبات نماز، به خوردن ناهار مشغول می شد.

ناهار ایشان هم مانند صبحانه، مختصر و بسیار ساده بود. پس از صرف ناهار، به نامه های رسیده که به صورت متوسط روزانه بین هفتاد تا هشتاد یا صد نامه بود، شخصا رسیدگی می کرد. پس از مطالعه نامه ها و تلگراف های رسیده، روی پاکت آنها می نوشت مربوط به فلان موضوع است تا هنگام رسیدگی مجدد، کار به سهولت انجام گیرد. یک روز را به پاسخ نامه های رسیده و یک روز را هم برای پاسخ به استفتائات اختصاص داده بود. جواب نامه ها را منشی مخصوص ایشان، آقای حاج محمدحسین احسن می نوشت، سپس آقا مطالعه می کرد و اگر عبارات آن نیاز به اصلاح داشت، آن را اصلاح و گاهی خودشان املا و سپس پایان آن را مُهر یا امضا می کرد. ایشان به قدری درباره نامه ها و مطالب و پاسخ آنها دقت می کرد که گاهی اگر پنج روز یا ده روز پیش نامه ای را خوانده بود، هنگامی که جواب آن را می خواست مُهر کند، می گفت این جواب فلان نامه نیست یا این جواب نسبت به آن موضوع که در نامه نوشته بود، مناسب و کافی نیست و دستور می داد که آن را تغییر دهند. این موضوع سبب شگفتی همگان شده بود و همه از حافظه قوی و هوش سرشار آن پیشوای شایسته اظهار تعجب می کردند. چون وقت غروب می رسید، وضو می گرفت و نماز مغرب و عشا را در صحن بزرگ حضرت معصومه علیهاالسلام به

جماعت می گزارد. در ماه مبارک رمضان نیز ظهرها را در مسجد جامع واقع در پایین شهر قم و اواخر در مسجد اعظم به جماعت می خواند. پس از نماز عشا، شام مختصری میل می کرد و بعد از آن مشغول مطالعه می شد و این کار تا ساعت دوازده شب به طول می انجامید. آن گاه به بستر خواب می رفت و سه ساعت و کمی بیشتر می خوابید و خواب شبانه روز ایشان به طور کلی به پنج ساعت نمی رسید. در ماه مبارک رمضان بیشتر وقت ها اول نماز می خواند و بعد افطار می کرد و گاهی نیز در بین دو نماز افطار می کرد.(۱)

۱۰. توجه به جوانان

۱۰. توجه به جوانان

آیت الله محسنی ملایری در این باره می گوید: «ایشان نسبت به شاگردان خود احترام فراوانی قائل می شدند. به عنوان نمونه، آقای موسی صدر ـ که نوجوان بودند ـ به درس ایشان می آمدند و هر گاه می خواستند که اشکالی را مطرح نمایند، مرحوم آیت الله بروجردی می فرمود: «سکوت کنید تا ببینم آقا چه می گویند» و یا نسبت به آقای فاضل و یا شیخ مهدی حائری و بعضی دیگر که از جوانان حاضر در درس ایشان اعتراض می کردند، آقا نظر داشتند که این آقایان، امید آینده هستند... باید مورد تعظیم و تکریم باشند. من در بین کسانی که برخورد کردم، تحمل و تواضع ایشان نسبت به شاگردان به خصوص طبقه جوان را منحصر به فرد یافتم».(۲)

۱۱. اراده قوی

۱۱. اراده قوی

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در این باره بیان می دارد: «آقای بروجردی برای جلوگیری از خشم خود نذر کرده بودند که اگر بعد از این ناراحت شوند، یک سال روزه بگیرند. اتفاقا یک مورد هم عصبانی شده بودند... ایشان تمام آن سال را غیر از

۱- نک: زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۶۱.

۲- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۸۶.

روزهایی که حرام بود، روزه گرفتند. آری، تمام یک سال را».(۱)

۱۲. صراحت کلام

۱۲. صراحت کلام

شهید مطهری رحمه الله در این باره می گوید: «در سال هایی که در قم بودم، یک وقت یکی از خطبای معروف ایران به قم آمد و اتفاقا دید و بازدید ایشان در حجره بنده بود. در آنجا از ایشان دیدار به عمل می آمد. یک روز در مدت اقامت ایشان در قم، شخصی در وقت نامناسبی او را به خانه آیت الله بروجردی برده بود. آن موقع، یک ساعت قبل از وقت تدریس آقا بود و معمولاً او در آن وقت مطالعه می کرد و کسی را نمی پذیرفت.

شخص معرّف در می زنند و به خادم می گویند: به آقای بروجردی بگویید فلانی به ملاقات شما آمده است. خادم پیغام را می رساند و برمی گردد و می گوید آقا فرمودند: «من فعلاً مطالعه دارم. وقت دیگری تشریف بیاورید.» آن شخص محترم هم برمی گردد و اتفاقا همان روز به شهر خود مراجعت کرد. آن روز آیت الله بروجردی برای تدریس آمدند. من را در صحن حضرت معصومه علیهاالسلام دیدند و فرمودند: «من بعد از درس برای دیدن فلانی به حجره شما می آیم.» گفتم ایشان رفتند. فرمودند: «پس وقتی ایشان را دیدی، بگو حال من وقتی تو به دیدن من آمدی، مانند حال تو بود؛ وقتی می خواهی برای ایراد سخنرانی آماده شوی. من دلم می خواست وقتی با هم ملاقات کنیم که حواس من جمع باشد و با هم صحبت کنیم و در آن موقع من مشغول مطالعه برای تدریس بودم.» من پس از مدتی آن شخص را ملاقات کردم و معذرت خواهی آقای بروجردی را ابلاغ کردم و گفتم آقا بروجردی خواستند به دیدن شما بیایند و چون مطّلع شدند که شما حرکت کردید، معذرت خواهی کردند. آن خطیب معروف جمله ای گفت که برای من جالب بود. ایشان گفت: «نه تنها به من

۱- همان، ص ۱۳۲.

یک ذره برنخورد، بلکه خیلی هم خوش حال شدم؛ زیرا ما اروپایی ها را می ستاییم که مردمی صریح هستند و رودربایستی های بی جا ندارند. من که قبلاً از ایشان وقت نگرفته بودم، غفلت کرده، در وقت نامناسبی رفته بودم. من از صراحت این مرد خوشم آمد که گفت حالا من کار دارم. آیا این بهتر بود یا اینکه با ناراحتی مرا می پذیرفت و دایما در دلش ناراحت بود و با خود می گفت این بلا چه بود که بر من نازل شد، وقت مرا گرفت و درس مرا خراب کرد؟ من بسیار خوش حال شدم که در کمال صراحت مرا نپذیرفتند. چه قدر خوب است مرجع مسلمانان این طور صریح باشد».(۱)

۱۳. هوشیاری نسبت به القای شبهه های فرهنگی

۱۳. هوشیاری نسبت به القای شبهه های فرهنگی

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی در این باره می گوید: «در موقعی که خطری پیشامد می کرد، آقای بروجردی تا پای جان برای پیشرفت اسلام آماده بود. تمام سیر امور و حوادثی را که در جهان تشیع واقع می شد، مورد دقت قرار می داد. مثلاً مجلاتی که منتشر می شد و در آن، مطالب ضد دینی بود، با کثرت کار مطالعه می فرمود و اوامری به بنده برای جواب دادن به آنها صادر می کردند که اطاعت می نمودم. از جمله وقتی در مجله ای که در دهلی نو منتشر می شد، مقاله ای راجع به تأثیر دین بودا در اسلام و ادیان دیگر و ظهور عرفان و فلسفه در اسلام نوشته شده بود و ایشان خوانده بودند، به بنده گفتند جواب آنها را بدهم و من هم رساله مستدلی نوشتم و اثبات کردم که مکتب اسلام اصولاً با مذهب بودا میانه ای ندارد و با افکار خرافی نیز مبارزه می کند. سپس رساله را به نظرشان رساندم و ایشان قدردانی کردند. آن گاه رساله را برای مجله مزبور فرستادم که عینا در آن مجله درج گردید».(۲)

۱- مرتضی مطهری، پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، ص ۳۰.

۲- زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۶۹.

۱۴. آگاهی از نقاط ضعف مسلمانان و نقاط قوت غربی ها

۱۴. آگاهی از نقاط ضعف مسلمانان و نقاط قوت غربی ها

علی دوانی در این بـاره بیـان می کنـد: «کمتر اتفاق می افتاد آقای بروجردی با شاه و نخست وزیران وقت و سایر وزرا و اولیای امور سـخن بگوینـد و اسـمی از نقایص فرهنگ و برنامه آن نبرنـد. از اوضاعی که در ممالک مغرب زمین می گـذشت، کاملاً مطلع بودنـد. بسـیاری از مواقع، از پاره ای اوضاع و گرفتاری های مسـلمانان و نفاقی که میان سـران آنها پدیـد آمـده و موجب دوری دول و ملـل اسـلامی از یکـدیگر شـده و نیروی مـادی و معنـوی آنهـا را تجزیـه و خرد کرده است، بی نهـایت متأثر می گردیدند و نیز از پیشـرفت های بیگانگان در علوم و صـنایع حیرت انگیز و عقب ماندگی کشورهای اسلامی و سلطه دشمنی بر جان و مال آنها سـخت منقلب می شدنـد و ناله می نمودنـد و می گفتنـد اگر رهبران ملل مسـلمان به رمز پیشـرفت و ترقی ملل مترقی جهـان در امر صـنایع و علوم مادی پی ببرنـد و علاقه به اسـتقلال مسـلمانان و عظمت دین مبین اسـلام داشـته باشـند، می توانند در سایه عمل به تعالیم عالیه اسلام، تمام عقب ماندگی های خود را جبران کنند».(۱)

۱۵. توجه ویژه به کارکرد فرهنگی در خارج از کشور

۱۵. توجه ویژه به کارکرد فرهنگی در خارج از کشور

اسـتاد مطهری رحمـه الله در این بـاره می گویـد: «از گـام هـای برجسـته ای که در زمـان آیت الله بروجردی و به وسـیله ایشـان برداشـته شـد، اعزام مبلّغ و نماینـده مـذهبی به کشورهـای خـارجی بود. آقای بروجردی که علاوه بر جنبه فقاهت، مطالعاتی در متن اسـلام و معتقـدات اسـلامی داشت و اسـلام را خیلی بی پیرایه و عریان از توهمات عوامانه پذیرفته بود و از طرفی برخلاف گذشـتگان از تاریخ قرون جدید و اوضاع عصـر حاضر تا حدود نسبتا خوبی آگاه بود، معتقد بود که اگر حقایق فطری اسلامی بر افکار حقیقت جو و کاوشگر و کم تعصب اروپایی عرضه داشته شود، این دین

ص: ۳۹

۱- همان، ص ۱۷۰.

حنیف را تـدریجا خواهند پذیرفت و روی همین جهت به آلمان و امریکا نماینده اعزام کرد و در تدارک اعزام نماینده به لندن و بعضی از نقاط دیگر بود که اجل او فرا رسید».(۱)

۱۶. واقع نگری

۱۶. واقع نگری

خشـک اندیشـی در حوزه فقه، برای جـامعه انسـانی بسـیار زیـان بار است. آنان که اوضاع و احوال جامعه را نمی شناسـند و از دگرگونی ها بی خبرنـد و گویی که در قرن ها پیش زنـدگی می کننـد، نبایـد در مقام صـدور فتوا برآینـد. اندیشه نو آیت الله بروجردی که از اسـلام ناب ریشه گرفته است، باید برای حرکتی پایدار و محکم و مبارزه جدی با اندیشه های واپس گرا الگو قرار بگیرد. ایشان روشن بین بود و همیشه از خشک اندیشـی دوری می کرد. ایشان به آثار اجتماعی فتوا به دقت می اندیشـید. وقتی بخشـی از منـازل مسـکونی را برای وسـعت خیابـان چهـارمردان قم خراب کرده بودنـد، برخی از مقـدسان سـطحی نگر و گریزان از واقعیت هـای موجود، به مخـالفت برخاسـته بودنـد و حتی از آن خیابـان و از روی خـانه های خراب شـده عبور نمی کردنـد. مرحوم بروجردی برای مبارزه با انـدیشه غیرواقعیت گرا و به دور از اوضاع اجتماع، شـخصا از آن خیابان عبور کرده و گفته بود: «امروز وضعیت جوری است که اقتضای این مسئله را دارد».(۲)

۱۷. مبارزه با خرافات

۱۷. مبارزه با خرافات

ملتی که در پنجه خرافات گرفتار باشد، هرگز به خوش بختی و سعادت نخواهد رسید. یکی از خرافات هستی سوز، «شرک» و «دوگانه پرستی» است. هر مسلمانی موظف است که در برابر خدای هستی بخش کرنش کند و پیشانی بر خاک بساید. به

۱- تکامل اجتماعی انسان، ص ۲۰۵.

۲- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۳.

خاک افتادن در برابر غیر خدا، امری موهِن و خارج کننده انسان از حصار حصنی «لااله الّاالّله» است. آیت الله بروجردی برای دور نگه داشتن ساحت جامعه اسلامی از لوث خرافه و اعمال منافی با یکتاپرستی تلاش می کرد. وی بر آن بود که پیرایه ها را از مذهب شیعه بزداید تا فروغی دیگر یابد. در زمان آیت الله بروجردی کم و بیش این فکر حاکمیت داشت و در بین مردم جای پا باز کرده بود. ازاین رو، آیت الله بروجردی وظیفه خود می دانست که بساط این طرز تفکر را برچیند و به حاکمیت متعصبانه و جاهلانه آن پایان بدهد.

روزی هنگام ورود به حرم حضرت رضا علیه السلام یک طلبه به عنوان احترام به حضرت رضا علیه السلام به سجده افتاد. آیت الله بروجردی با دیدن این صحنه به شدت ناراحت شد و عصای خود را بر پشت آن طلبه زد و گفت: «این چه کاری است که می کنی؟ با این عملت، دو گناه مرتکب شده ای: یک، سجده برای غیر خدا؛ ب، تو طلبه هستی و چنین کاری را انجام می دهی و این سبب می شود که دیگران هم از تو پیروی کنند».

روزی ایشان می خواستند از در منزل بیرون آیند که یکی از زوّار برای اظهار ادب، خود را به پای ایشان انداخت. آیت الله بروجردی که این کار را حرام می دانست، عصبانی شد و عصایش را به پشت آن مرد زد. در همین حال فریاد می زد: «این عمل شرک است؛ حرام است».(۱)

۱۸. هوشیاری در صدور حکم شرعی

۱۸. هوشیاری در صدور حکم شرعی

«آیت الله بروجردی در صدور حکم شرعی همه سونگر بود. اطراف و ابعاد مسائل را دقیق می سنجید. عقل، چراغ راهش بود و مانند دیده بانی هوشیار، مراقب بود که از شخصیت، موقعیت، دانش و فتوایش سوءاستفاده نشود. شاه بر آن بود که با دختری

۱- همان.

ایتالیـایی از اهل کتاب ازدواج کنـد. نظر مشـهور علمای امامیه بر آن است که ازدواج دایم با اهل کتاب مجاز نیست، اما از نظر آیت الله بروجردی، این ازدواج در هر صورت چه دایم و چه غیردایم، بلامانع بود. گویا دستگاه حکومت به این مسئله پی برده بود. ازاین رو، برای جلوگیری از تنش هـای اجتمـاعی، درصـدد بود فتوای ایشان را پشـتوانه کار خود سازد. آقای بروجردی با تیزهوشـی و کیـاست و برخلاـف نظر خود اعلاـم کرد: «مشـهور بین اعـاظم فقهـای امـامیه، حرمت ازدواج دایم با کتابیه است.» ایشان با این حرکت، به همه صاحب نظران درس بزرگی آموخت که در اعلام رأی و نظر بایـد زمان و مکان و شـرایط موجود مورد مطـالعه قرار بگیرد و اگر بـدون در نظر گرفتن شـرایط زمـانی و مکانی حکم صادر شود، چه بسا به ضـرر جامعه اسـلامی تمام می شود».(۱)

۱۹. مبارزه با عوام زدگی

۱۹. مبارزه با عوام زدگی

آیت الله ناصر مکارم شیرازی در این باره بیان می دارد: «عوام زدگی، مصیبت بزرگ و آفت مهم برای «روحانیت» به خصوص «مرجعیت» است. مردان بزرگ هنگامی می توانند به وظیفه خود در مقام رهبری خلق خدا عمل کنند که از عوام زدگی برکنار باشـند وگرنه از اوج «رهبری» به حضـیض «دنبـاله روی» از امیـال و هوس های عوام سـقوط خواهنـد کرد. سـنت شـکنی انبیای بزرگ همچون نوح و ابراهیم و محمد صـلی الله علیه و آله، چهره ای از مبارزه با عوام زدگی است و تنهایی بسیاری از رهبران الهی در دوران عمر خود نیز به خاطر همین موضوع بوده است. آیت الله بروجردی از کارهایی که به منظور جلب توجه عوام از بعضـی سر می زد، سخت بیزار بود و هرگز او دنبال خوشایند عوام نبود. او پیشوای عوام بود، نه دنباله رو آنان. حتی در مسائل مربوط به عزاداری امام حسین علیه السلام که گاه آلوده با کارهای خلاف از سوی بعضی عوام

۱- همان، ص ۱۷.

می شد و بعضی از افراد روی ملاحظات مختلفی حاضر نبودند که تذکرات لازم را در این زمینه به عوام بدهند، آن مرد بزرگ وظیفه خود را انجام می داد و در برابر انجام وظیفه، ملاحظه خوشایند عوام را نمی کرد، حتی اگر با حرکات و سخنان نامؤدبانه ای از سوی آنان مواجه می شد. در این زمینه، پیغام ایشان به بعضی از دسته های عزاداری قم، دایر به ترک کارهای ناروا مانند «قمه زنی» معروف است».(۱)

۱- همان، ص ۲۶۷.

فصل چهارم: فعالیت های سیاسی و اجتماعی

۱. پشتیبانی از شخصیت های مبارز

الف) حضرت امام خمینی رحمه الله

الف) حضرت امام خمینی رحمه الله

حجت الاسلام سید عباس مُهری در این باره می گوید: روزی در محضر آیت الله بروجردی بودم که نماینده ای از طرف دولت به حضور ایشان آمد تا موافقت او را با موضوعی که دولت در دست اجرا داشت، خواستار شود. آیت الله بروجردی فرمودند: «پاسخ را بعد از مشورت و تبادل نظر با بعضی از علما به دولت ابلاغ خواهم کرد.» من به فکر افتادم که آقای بروجردی در این گونه امور با کدام یک از علمای قم مشورت می کنند؟ دیری نپایید که دیدم امام خمینی رحمه الله بنا به درخواست ایشان به آنجا آمدند و به اتفاق، به اتاق رفتند و به گفت و گو نشستند و ساعتی بعد آقای بروجردی نظر خودش را برای دولت فرستادند و همچنین بعضی از افاضل حوزه نجف از مرحوم شیخ محمدتقی بروجردی نقل می کردند که مرحوم آیت الله بروجردی کرارا می فرمود: «قصد دارم که در موقعیت مناسبی زیر بازوی جوانی را بگیرم که برای اسلام و مسلمین می تواند مثمر ثمر باشد و اشاره به امام خمینی رحمه الله کرده بود».(۱)

چحجت الاسلام سید عباس مهری در مورد این رویداد می گوید: مرحوم آیت الله بروجردی علاوه بر اینکه در امور مهم سیاسی با امام خمینی رحمه الله مشورت و تبادل

۱- سید حمید روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، تهران، انتشارات راه امام، ۱۳۵۹، ج ۱، ص ۱۰۱.

نظر می کردند، گاهی نیز از ایشان دعوت به عمل می آوردند که در گفت وگویی که با مقامات دولتی درباره امر مهمی داشتند، شرکت نماید و به طور مستقیم از جانب ایشان با نماینده دولت و مقامات دولتی گفت وگو کند. در مورد یکی از مواد قانون اساسی که رژیم می خواست تغییر دهد و به منظور جلب موافقت مرحوم آیت الله بروجردی، دکتر اقبال را به حضور ایشان فرستاده بود، امام خمینی رحمه الله بنا به درخواست آقای بروجردی در آن نشست شرکت کرد و رسما با دکتر اقبال صحبت و گفت وگو نمود و سرانجام با لحن تند و قاطعانه اظهار داشت که: «ما به شما هرگز اجازه چنین تغییر و تبدیلی در قانون اساسی را نمی دهیم؛ زیرا این گونه تغییر، افتتاحیه ای جهت دستبرد اساسی به قوانین موضوعه این کشور خواهد شد و به دولت فرصت خواهد داد که هر وقت، هر طور که سیاست و منافع او اقتضا می کند، در قانون اساسی دست ببرد و طبق اغراض و امیال خود قانونی را ملغی و قانون دیگری را جعل نماید.» بدین صورت توطئه رژیم را خنثی و از دستبرد به قانون اساسی جلوگیری به عمل آمد.(۱)

ب) آیت الله کاشانی

ب) آیت الله کاشانی

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی درباره حمایت آقای بروجردی از آیت الله کاشانی می گوید:

پس از ترور رزم آرا، نخست وزیر وقت رژیم ستم شاهی که می گفتند بنا به دستور آقای کاشانی به قتل رسیده، رژیم، او را دستگیر و درصدد برگزاری محاکمه برای ایشان بودند که آیت الله بروجردی آن قدر پافشاری کردند که از محاکمه او جلوگیری کردند. گفته بودند محاکمه می کنیم، ولی مجازات نمی کنیم. باز هم آیت الله بروجردی راضی نشده بودند. روی همین اقدام، هنگامی که آیت الله کاشانی از حبس آزاد شد، تلگرافی به

۱- همان، صص ۱۰۱ و ۱۰۲.

آیت الله بروجردی زد و بسیار تشکر کردند.(۱)

همچنین حجت الاسلام سیدحسین بُدلا گفته است:

آیت الله بروجردی از آقای کاشانی هم حمایت مادی می کردند و هم معنوی. ایشان برای آقای کاشانی مقرری تعیین کرده بودند که با واسطه به ایشان می رساندند. یادم هست وقتی آیت الله کاشانی به قم آمدند، در منزل آیت الله خوانساری اقامت کرده بودند. یک روز آقای بروجردی برای دیدن او به آنجا آمدند و آقای کاشانی نیز به دیدن آقای بروجردی رفتند.(۲)

ج) شهید سید حسین امامی و شهید نواب صفوی

ج) شهید سید حسین امامی و شهید نواب صفوی

حجت الاسلام سید حسین بدلا در این باره می گوید: «شهید سیدحسین امامی که از اعضای اصلی فداییان اسلام بود، در مرحله اول دست گیری و زندانی شدن، از نظر دادگاه جرمش سنگین بود. آیت الله بروجردی از ایشان حمایت کردند و با وسایل مختلف از جمله کمک بازاری های تهران و بعضی از اداری های بانفوذ، اقدام نمود و بدین ترتیب، آقای امامی را با سفارش آزاد کردند، ولی چون پرونده غیرمختومه بود، در مرحله دوم دستگیری، باز آقای بروجردی کوشش کردند تا آزاد شود، اما ناگهان پرونده قبلی او به میان آمد و ایشان را اعدام کردند.

در جریان دستگیری شهید نواب صفوی و تنی چند از اعضای اصلی فداییان اسلام، چون می بایست حکم دادگاه را شاه امضا کند و سپس اجرا شود، کسانی که با شاه رابطه داشتند، در آن وقت برای همین موضوع به بیت آیت الله بروجردی احضار شده و قول دادند از شاه خواهند خواست که حکم اعدام را امضا نکند. محاکمه اعضای فداییان اسلام برگزار [شد] و تا پاسی از شب ادامه داشت. در اواخر شب به خاطر خستگی اکثریت اعضا، ادامه جلسه به روز بعد موکول گردید، اما صبح

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۲۹.

۲- همان، ص ۹۷.

باخبر شدیم که نواب صفوی و سایر دستگیرشدگان از جمله واحدی، طهماسبی [و]ذوالقدر را اعدام کردند و آن جلسه محاکمه پس از تنفس ادامه پیدا کرده و حکم نهایی را دادند و همان شب، موافقت شاه را هم به دست آوردند! در صورتی که شاه تهران نبوده است، به سرعت خود را به شاه می رسانند و امضا جهت اجرای حکم اعدام را می گیرند. آیت الله بروجردی پس از شنیدن خبر شهادت این آقایان بسیار متأثر شدند، به طوری که ملاقات را که ما روزانه با ایشان به خاطر کارمان داشتیم، آن روز تعطیل کردند و فرمودند: از ناراحتی، حال هیچ کاری را ندارم».(۱)

۲. برخورد با حکومت پهلوی

الف) برخورد با دولت های وقت

الف) برخورد با دولت های وقت

حجت الاسلام فلسفی در این باره گفته است: «آیت الله بروجردی هنگامی که از دولت های وقت گله داشتند و دولت کسی را برای رضایت خاطر ایشان به قم می فرستاد، بسیار صریح و با صدای بلند می فرمود: «نمی پذیرم»، به طوری که فرستاده دولت هم می شنید و می رفت و به رئیس دولت وقت گزارش می داد و معمولاً ـ دولت ها هم از طریق چند واسطه از ایشان علت را جویا می شدند و ایشان می فرمودند: «به خاطر اینکه دولت در فلان موضوع روش های نادرستی در پیش گرفته است». همین برخورد موجب می شد که دولت در کار خود تجدیدنظر کند و موجبات رضایت خاطر ایشان را فراهم آورد. غرض اینکه آقای بروجردی در کمال صراحت حرف می زد و کاملاً حق اسلام را رعایت می کرد. از حریم دین دفاع می نمود و هر جا فرصتی پیش می آمد، در مقابل رژیم پیشروی می کرد».(۲)

۱- همان.

۲- الگوی زعامت، ص ۱۹۵.

ب) جلوگیری از اجرای نقشه های شوم رژیم

ب) جلوگیری از اجرای نقشه های شوم رژیم

آیت الله بروجردی با تقسیم اراضی رژیم مخالف بود؛ زیرا او درد فقر را چشیده و از نزدیک، با زندگی رقت انگیز کشاورزان زحمت کش، ولی گرسنه آشنا بود. او داغ گرسنگی و بیچارگی را در پیشانی پابرهنگان آفتاب سوخته روستایی دیده بود. او می دانست کشاورزان و دهقانان، بدبخت تر از همیشه، پس از اجرای این اصلاحات طاغوتی، گروه گروه مانند لشکر شکست خورده، راهی کوره پزخانه می شوند یا به شغل های کاذب رو می آورند. هدف رژیم طاغوت این نبود که کشاورزان بی نوا به نوایی برسند، بلکه هدف این بود که روستاییان را مهار کرد و با گردآوری آنان در حاشیه شهرها بتوان نیروی کار ارزان قیمت در اختیار سرمایه داران بزرگ قرار داد و ایران را هرچه سریع تر به دروازه های تمدن وارداتی رساند. او می دانست که حکومت حسن نیت ندارد و جابه جایی مهره ها و ستاندن املاک بی حدّ و حصر از گروهی و واگذاری آن به گروهی دیگر و راه انداختن هیاهوی تبلیغاتی، این زخم کهنه را التیام نمی بخشد و ملت به سپیده دم رهایی نخواهد رسید، مگر دگرگونی عمیق رخ دهد. در یک کلام، او با نظام بهره کشی، با هر نام و عنوانی و با تقسیم اراضی شاهانه مخالف بود و جلوی لایحه را گرفت. پس از درگذشت ایشان، شاه با خوش حالی تمام و به عنوان یک نوید بزرگ به ارباب بزرگش، امریکا، اعلام کرد: «قانون اصلاحات ارضی، سیر خود را طی می کرد تا به مرحله عمل برسد. یکی از مقاماتی که از اصلاحات دنیا اطلاعی نداشت، نامه ای نوشت و جلوی این کار را گرفت.» البته این خوشی دیری نپایید که قهرمان آزادی و استقلال، حضرت امام خمینی رحمه الله، فریاد برآورد و روز روشن را در دیدگان امریکا و نوکر او به شب تار تبدیل کرد.(۱)

حجت الاسلام سید حسین بدلا درباره مخالفت آیت الله بروجردی با اصلاحات

ص: ۴۸

۱- نک: مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۸.

ارضـی می گوید: «رژیم منحوس پهلوی برنامه ای داشت و می خواست اجرا کند؛ به نام «اصلاحات اراضی» که مورد اعتراض شدیـد مرحـوم آیت الله بروجردی قرار گرفت. شـاه در پاسـخ اعـتراض آیت الله بروجردی نـامه ای نوشـته بود به این مضـمون: «اصـلاحات ارضی در ممالک اسلامی هم انجام گرفته است، مانند ترکیه، پاکستان و... . مصالح کشور را باید رعایت نمود، نه خواسته های عده ای مال پرست را و ما دستور دادیم قانون اصلاحات ارضی مثل سایر ممالک اسلامی اجرا شود».

آیت الله بروجردی در مسائـل مهم، آقایان درجه اول را دعوت و با آنان مشورت می کردنـد. ازاین رو، برخی از بزرگان حوزه را دعوت کردند که در جلسه مشورت برای پاسخ این نامه شرکت کنند. عده ای از جمله حضرت امام خمینی رحمه الله و شیخ عبـدالنبی اراکی در این جلسه شـرکت داشـتند. نـامه شـاه را نشـان یکایـک آقایـان دادنـد. شـاه در عنـوان نـامه اش از آیت الله بروجردی تعبیر به «حجت الاسـلام» کرده بود که این موضوع هم باعث ناراحتی جمعی از آقایان شده بود. حضرت امام خمینی رحمه الله نسـبت به این جمله شاه (ما دسـتور دادیم...) حساس بودند و به آیت الله بروجردی پیشـنهاد کردند که شـما بنویسـید: «این خلاف قانون اساسی است. شاه چه حقی دارد که بگوید ما دستور دادیم. کشور مشروطه است؛ مجلس دارد».

پس از مشـورت هـای لازم آیت الله بروجردی، متن جـوابیه را فراهم کردنـد که مضـمون جوابیه این بود: «شـما می گوییـد در ممالک دیگر اسـلامی قانون اصـلاحات اجرا شده است. آن ممالک، اول جمهوری شدند و بعد اصـلاحات اراضـی اجرا شد.» این موضع گیری آیت الله بروجردی موجب شد شاه از ترس تغییر رژیم از سـلطنت به جمهوری، تا زمان حیات آقای بروجردی مسئله اصلاحات اراضی را متوقف کند.(۱)

۱- همان، ص ۱۰۱.

ج) مخالفت با لوایح شش گانه ستم شاهی

ج) مخالفت با لوایح شش گانه ستم شاهی

آیت الله جعفری همدانی در این باره بیان می دارد: «آیت الله بروجردی مرد باهوش و شجاعی بود. از نظر شجاعت، ایشان حسینی بود. خیلی آدم نترسی بود. در جریان لوایح شش گانه که آیت الله بروجردی مخالفت کرده بود، شاه دو تن از مقامات مملکتی به نام های قائم مقام رشتی و صدرالاشراف را به قم می فرستد که بگویند دخالت در امور اجرایی مملکت در شأن شما نیست. آقای بروجردی در پاسخ می گوید: «به شاه بگویید کاری نکنید که عصایم را بردارم و عمامه ام را بر سر گذارم و تاج و تختش را ویران کنم.» صدرالاشراف گفته بود این را که نمی شود به شاه گفت؛ بین دو شخصیت بزرگ به هم می خورد. از این رو، به شاه می گوید حضرت آیت الله بروجردی گفتند اعلی حضرت، شاه مملکت است. شاه با عصبانیت گفته بود پس سید باید سر جایش بنشیند و در این امور دخالت نکند. سپس قائم مقام گفته بود آقا، ایشان این جور نگفته است. ما نخواستیم بین شما و ایشان را به هم بزنیم، بلکه حرف ایشان این بود که شاه کاری نکند که عصایم را بردارم... . شاه ترسیده بود و گفته بود من مقلد ایشان هستم».(۱)

د) مخالفت با تغییر خط فارسی به لاتین

د) مخالفت با تغییر خط فارسی به لاتین

یکی از نیرنگ هایی که در عصر زعامت آیت الله بروجردی مطرح شد، ایجاد دیوار آهنین بین پیروان اسلام با معارف زندگی ساز اسلام به بهانه تغییر رسم الخط بود؛ به این بهانه که رسم الخط فارسی در کتابت و چاپ موجب اشتباه می شود و سردرگمی خوانندگان و پژوهشگران را در پی خواهد داشت و به علاوه با زبان بین المللی (انگلیسی) تطابق ندارد. پس چون فارسی زبان در فراگیری دانش های موجود در جهان غرب به مشکل برخورد می کند، باید رسم الخط را تغییر داد.

۱- الگوی زعامت، ص ۲۱۹.

آیت الله بروجردی در مقابل این توطئه خطرناک رژیم قد برافراشت و به شدت موضع گرفت و گفت: «هدف اینان از تغییر خط، دور کردن جامعه ما از فرهنگ اسلامی است. من تا زنده ام، اجازه نمی دهم این کار را عملی کنند؛ به هر جا که می خواهد منتهی شود».(۱)

موضع گیری این عالم روشن بین سبب شد بیگانگان نتوانند نقشه شوم خود را عملی و ایران را مثل ترکیه و برخی دیگر از سرزمین های اسلامی از خط اسلامی محروم کنند.

ه_) مخالفت با آتش پرستی در ایران

ه_) مخالفت با آتش پرستی در ایران

آیت الله سید موسی شبیری زنجانی در مورد این رویداد می گوید: «به قول یکی از اطرافیان آیت الله بروجردی، بنا بود مراسمی در تهران برپا شود و در آن مراسم از آتش تجلیل به عمل آید. به اصطلاح جشنی گرفته شود تا آتش پرستی را احیا کنند. وقتی آقای بروجردی فهمیدند، بسیار ناراحت شدند و شخصی را مأمور کردند تا از طریق مقامات مملکتی با شاه ملاقات کند و ناراحتی ایشان را منعکس نماید. او نیز به وسیله صدرالاشراف از شاه ملاقات گرفته و با او دیدار می کند. شاه در ابتدا[ی]ملاقات از احوال آقای بروجردی می پرسد. فرستاده می گوید: ایشان ناراحت هستند. شاه می گوید خب، پیرمرد است و طبیعی است. فرستاده می گوید: درست می فرمایی، اما غیر از پیری، ناراحتی دیگری دارد. گفت حتما بر اثر مشغلات زیاد است و ما هم وقتی کارهای زیادی داریم، خسته می شویم. فرستاده گفت: قضیه آتش، آقا را ناراحت کرده است. شاه گفت: آتش که چیزی نیست و ما هم می خواهیم شرکت کنیم. فرستاده گفت: بله، حضرت آیت الله هم می دانند که آتش چیزی نیست، اما می فرمایند: «عده ای در خارج از کشور تبلیغ می کنند که آتش را که پیامبر اسلام هزار

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۲.

و چهارصد سال پیش خاموش کرده است، شاه دوباره روشن کرد.» شاه قدری فکر کرد و گفت: بگویید من نمی روم و بعد از چند لحظه دستور داد که مراسم را لغو کنند».(۱)

و) رد کردن کمک مالی شاه

و) رد کردن کمک مالی شاه

آیت الله بروجردی رحمه الله می فرمود: «وقتی مسجد اعظم را شروع به ساختن کردند، شاه خبر داد که مبلغی، گویا یک میلیون تومان هم به نام او وارد دفتر مسجد شود. گفتم از ایشان تشکر کنید و عذر بخواهید؛ چون می ترسم بعدها معروف به مسجد شاه بشود! بعد هم شنیدیم که می خواستند این مبلغ اهدایی شاه را با زیاد کردن قیمت بلیت قطار قم جبران کنند! گفتم: بگذارید این مسجد با همان کمک های مردم ساخته شود؛ نه اسم شما باشد نه اسم من و او هم قبول کرد».(۲)

ز) واکنش در برابر بی بندوباری شاه

ز) واکنش در برابر بی بندوباری شاه

حجت الاسلام علی دوانی در این باره می گوید: «اواخر عمر شریف آیت الله بروجردی بود که شاه در بازگشت از سفر خوزستان با قطار همراه همسرش ثریا به قم آمد. همسرش را در قطار گذاشته بود و خود در یک لندرور از خیابان های قم گذشت و در جلو صحن حرم حضرت معصومه علیهاالسلام پیاده شد و به درون صحن رفت. ما که با مردم در جلو مدرسه فیضیه و میدان آستانه نظاره گر بودیم و انتظار داشتیم شاه مثلاً حداقل نیم ساعتی بعد برگردد، دیدیم لندرور مخصوص با بقیه اتومبیل های اسکورت پس از پنج دقیقه حرکت کردند و به طرف خیابان آستانه رفتند. متوجه شدیم که اتفاقی افتاده است. وقتی تحقیق کردیم، گفتند عده ای از دانشجویان انقلابی عکس هایی از اروپا برای آیت الله فرستاده اند که در آن شاه و

۱- نک: الگوی زعامت، ص ۱۹۸.

۲- زندگی آیت الله بروجردی، ص ۴۰۹.

همسرش با زنان و مردان خارجی در استخر با طرز بسیار زننده ای شنا می کنند و همین عکس ها در مجلات اروپا و امریکا چاپ و منتشر شده است. با دیدن آن عکس ها، آیت الله فقید فرموده بودند: «باید عکس العمل نشان داد.» عکس العمل هم این بود که وقتی شاه وارد صحن حرم حضرت معصومه علیهاالسلام می شود، به شخص تولیت می گوید، آقا در حرم هستند؟ و تولیت می گوید نه، همین امروز به خارج شهر رفته اند. شاه هم ناراحت شده، بدون اینکه زیارت برود یا زیارت نامه تمام شود، به صورت قهر از در دیگر حرم رفت. پس از این جریان، دیگر ملاقاتی میان او و آیت الله بروجردی اتفاق نیفتاد تا اینکه شاه در مجلس ختم آن رهبر بزرگ روحانی شرکت کرد؛ آن هم به نحوی که همه می گفتند هنوز آثار خشم در چهره اش دیده می شد و زیاد هم در مجلس ترحیم نماند».(۱)

ح) مبارزه با بی حجابی

ح) مبارزه با بی حجابی

روزنامه ها اعلام کرده بودند که تمام دختران دبیرستانی باید با شلوار و بلوز سفید، روز ۱۷ دی (روز اعلام کشف حجاب) و روز به اصطلاح آزادی زن های ایران از قید اسارت، رژه بروند. آیت الله فقید بعد از شنیدن این خبر با عصبانیت گفتند: «مملکت را برای این می خواهند که دختران مردم را به زور در این سرمای زمستان به خیابان ها بکشانند و آنها را آن طور نشان بدهند و بگویند اینها از قید اسارت آزاد شده اند؛ چه اسارتی و چه آزادی؟ بی بندوباری و این نحوه عمل ها آزادی است و رهایی از قید اسارت است؟ چرا دست بر نمی دارند؟ چرا این همه مردم را اذیت می کنند؟» روز بعد جراید نوشته بودند: به واسطه سردی هوا، رژه دختران در خیابان ها در روز ۱۷ دی لغو شده است.(۲)

ص: ۵۳

۱- همان، ص ۴۱۰.

۲- همان، ص ۲۰۶.

۳. تلاش برای وحدت جهان اسلام

۳. تلاش برای وحدت جهان اسلام

آیت الله بروجردی در دوره ای رهبری جامعه اسلامی را به عهده گرفت که جنگ فرقه ها، شکافی عمیق بین فرقه ها به ویژه شیعه و سنی ایجاد کرده بود.

آیت الله بروجردی، عامل وحدت را در آشنایی فرقه ها با یکدیگر و همچنین نزدیک ساختن این فرقه ها با یکدیگر می دانست. او برای رساندن این پیام به جامعه سنی، با دارالتقریب پیوند خورد. احادیث و کتاب های الفت آفرین شیعه را که نشانه تفکر شیعه بود، برای مطالعه و نشر، به عالمان آن جامعه عرضه داشت. پیام های شفاهی و کتبی به عنوان جامعه شیعه از سوی ایشان ارسال شد و مواضع شیعه را در مسائل گوناگون بیان داشت. این هم گامی و هم سویی از طرف بزرگ ترین مرجع تقلید شیعه، افزون بر اینکه عرصه ها را بر اختلاف تنگ کرد و دست های تفرقه برانگیز استعمار را برید، سبب شد مذهب شیعه که تا آن روز در میان دیگر مذاهب پایگاهی نداشت و از هر سو رد می شد، جایگاه و پایگاهی را که سزاوارش بود، باز یابد و به غربت و انزوای مذهب شکوهمند شیعه پایان داده شود.

مذهب شیعه به عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلامی، در دانشگاه «الازهر مصر» کرسی تدریس یافت. غبار از چهره حدیث «ثقلین» زدوده شد و از محدوده شیعه پا فراتر نهاد. مهم ترین کتاب های تفسیری، روایی و فقهی شیعه، در سرزمین مصر در جایگاه مطالعه و تحقیق و تتبع قرار گرفت و به زیور طبع آراسته شد. آیت الله بروجردی، قهرمانانه سدّها را یکی پس از دیگری شکست و فرهنگ شیعه را از حصار آهنین که خودی و بیگانه بر گردش استوار ساخته بودند، رهانید و شیعه را به عنوان مذهبی منطقی و دارای روش های دقیق علمی برای استخراج احکام از متن شریعت و عامل به حدیث شریف «ثقلین» که همه فرقه ها بر آن باور داشتند، در بزرگ ترین پایگاه علمی سنی آن روزگار؛ یعنی جامع الازهر مصر مطرح کرد. این تلاش گسترده و سترگ سبب شد عالمان سنی درنگ کنند و این مذهب و بدنه

ص: ۵۴

اصلی آن را مطالعه کنند. هر چه بیشتر درنگ کردند، بیشتر شیفته شدند. فطرت پاک آنان در فتوای مفتی اعظم مصر، شیخ شلتوت جلوه گر شد.(۱)

شهید مطهری رحمه الله درباره نقش آقای بروجردی در وحدت جهان اسلام می گوید: «یکی از مزایای آقای بروجردی، توجه و علاقه فراوانی بود که به مسئله وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامیه داشت. آن مرد چون به تاریخ اسلام و مذاهب اسلامی آشنا بود، می دانست که سیاست حکام گذشته در تفرقه و دامن زدن اختلاف، چه اندازه تأثیر داشته است و هم توجه داشت که در عصر حاضر نیز سیاست های استعماری از این تفرقه حداکثر استفاده را می کنند و بلکه آن را دامن می زنند و هم توجه داشت که بُعد دوری شیعه از سایر فرق سبب شده که آنها شیعه را نشناسند و درباره آنها تصوراتی دور از حقیقت بنمایند. ازاین رو، ایشان بسیار علاقه مند بود که حسن تفاهمی بین شیعه و سنّی برقرار شود که از [یک] طرف وحدت اسلامی که منظور بزرگ این دین مقدس است، تأمین گردد و از طرف دیگر، شیعه و فقه شیعه آن طور که هست به جامعه تسنن که اکثریت مسلمانان را تشکیل می دهند، معرفی شود.

برای نخستین بار بعد از چند صد سال بین مرجع بزرگ شیعه و زعیم روحانی سنی، شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از فوت او، به فاصله دو سه سال شیخ محمود شلتوت، مفتی اعظم مصر و رئیس جامع الازهر، روابط دوستانه برقرار و نامه هایی مبادله شد. بدون شک طرز تفکر آقای بروجردی و حُسن تفاهمی که میان ایشان و شیخ شلتوت بود، در اینکه شیخ آن فتوای تاریخی معروف را در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه بدهد، مؤثر بود. درباره آیت الله بروجردی نباید گفت که ایشان نسبت به مسئله وحدت مسلمین علاقه مند بود، بلکه باید گفت عاشق و دل باخته این

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۱۴.

موضوع بود و مرغ دلش برای این موضوع پر می زد».[1]

ص: ۵۶

۱- تکامل اجتماعی انسان، ص ۲۰۴.

فصل پنجم: خدمات فرهنگی و عمرانی

۱. فعالیت های فرهنگی

۱. فعالیت های فرهنگی

آیت الله مطهری رحمه الله درباره خدمات فرهنگی آیت الله بروجردی چنین بیان می دارد: «یکی از مزایای برجسته آقای بروجردی که نمایانگر طرز تفکر روشن وی بود، علاقه مندی ایشان به تأسیس دبستان ها و دبیرستان های جدید تحت نظر سرپرستان متدین بود که دانش آموزان را هم علم بیاموزند و هم دین. معظم له دیانت مردم را در بی خبری و بی اطلاعی و بی سوادی آنها جست وجو نمی کرد، معتقد بود که اگر مردم عالم شوند و دین هم به طور صحیح و معقول به آنها تعلیم گردد، هم دانا خواهند شد و هم متدین و بنده آن مقداری که اطلاع دارم، مبالغ زیادی از وجوهات شرعی را اجازه دادند که صرف تأسیس بعضی از دبستان ها و دبیرستان ها شود».(۱)

حجت الاسلام محمدتقی فلسفی درباره افزودن درس تعلیمات دینی در دروس ابتدایی گفته است:

«در اواخر سال ۱۳۲۵ هجری شمسی، مرحوم آیت الله بروجردی به من پیغام دادند که شاه را ملاقات کنم و بگویم همان طور که در روزنامه ها نوشته اند، چون زمینه اجرایی لایحه اجباری کردن دوره ابتدایی فراهم شده است، تعالیم دینی را هم در کنار تعلیمات ابتدایی بگنجانند، نه اینکه فقط خواندن و نوشتن منظور بشود. من نیز در طی ملاقاتی که با شاه داشتم، گفتم آقای بروجردی پیغام داده اند که در

۱- همان، ص ۲۰۷.

روزنامه خوانده اند لایحه دوره ابتدایی به صورت اجباری را می خواهند اجرا کنند.

لذا به وزیر فرهنگ دستور داده شود که در برنامه آن، درس تعلیمات دینی هم گنجانده شود؛ چون آقای بروجردی خیلی مقید هستند که تمام دانش آموزان به موازات دروسی که می خوانند، درس دینی نیز خوانده شود. شاه هم ضمن موافقت با نظر آیت الله بروجردی گفت به دکتر شایگان (وزیر فرهنگ وقت) می گویم که این را هم اضافه کند. به هر حال مدتی بعد از این ملاقات، دکتر شایگان نامه ای به من نوشت که نظر آیت الله بروجردی در امر تعلیمات دینی تأمین خواهد شد».(۱)

حجت الاسلام میرزا حسن نوری درباره توجه آیت الله بروجردی به کارهای فرهنگی در خارج از کشور، می گوید:

آیت الله بروجردی بسیار بلندنظر بودند. یک وقتی قرار بود در شهر هامبورگ آلمان، مرکزی برای نشر تعالیم اسلام ساخته شود. ایشان شخصی را فرستادند که در آنجا ابتدا زمینی تهیه کنند. این فرد رفته بود و زمینی خریداری کرده بود. برخی به آیت الله بروجردی اطلاع داده بودند که این زمین خریداری شده، در موقعیت خوبی قرار ندارد؛ پایین شهر هامبورگ قرار دارد. هنگامی که شخص مأمور خرید زمین برگشت و گزارش از عملکردش ارائه داد، آقای بروجردی به ایشان گفت: «شنیده ام زمین خریداری شده در موقعیت مناسبی قرار ندارد و این، برای جامعه ای که ارزش را در زیبایی های ظاهری می بیند، صلاح نیست که ما در چشم آنان حقیر جلوه کنیم. مذاهب دیگری در آنجا وجود دارد که مراکز مذهبی شان از ساختمان های مجلل و زیبا برخوردار است و از ماشین های خوب و زیبا استفاده می کنند. از آن رو، برای ما صلاح نیست که پایین تر از آنها جلوه کنیم.» آن شخص گفت: آقا یعنی می فرمایید در بالای شهر

۱- الگوی زعامت، ص ۱۲۶.

هامبورگ و در کنار دریا زمینی تهیه کنیم؟ آنجا خیلی گران است. آقا فرمودند: «بله، در جای مناسب تهیه کنید. من هزینه اش را تأمین می کنم. شما تصور می کنید که برای من زمین می خرید! خیر، این مکان به نام امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف است و باید در جای آبرومندی باشد که باعث تحقیر مسلمانان نگردد».(۱)

۲. فعالیت های عمرانی

۲. فعالیت های عمرانی

حجت الاسلام علی دوانی درباه خدمات عمرانی آیت الله بروجردی بیان داشته است: اثاث و ابنیه ای که به دستور یا تشویق یا اجازه آن مرد بزرگ در شهرها و قصبات و دهات کشور یا خارج از کشور ساخته شده، بسیار است. تنها در شهر تهران، طبق گفته یکی از نزدیکان آیت الله فقید، ۱۳۴ بنا ساخته شده است که یا تمام مصارف آن را ایشان به عهده گرفته و یا در مصارف آن شرکت داشته و اجازه داده اند. ایشان در عرض شانزده سال مرجعیت، بالغ بر هزار مسجد و مدرسه دینی و کتاب خانه و بیمارستان و دبستان و دبیرستان و حمام و سایر ابنیه خیریه و عام المنفعه در ایران و عراق و لبنان و افریقا و اروپا بنا نمودند.

به طور اختصار قسمتی هایی از آثار و ابنیه تاریخی که ما توانسته ایم اطلاعاتی راجع به آنها به دست آوریم و یا شخصا از نزدیک دیده ام، عبارتند از:

الف) مساجد

یک _ «مسجد اعظم قم»، واقع در جنوب غربی حرم مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام با سبک معماری اسلامی و دارای دو شبستان بزرگ و فضای زیر گنبد و دو گلدسته بسیار مرتفع. تاریخ شروع بنای مسجد، یازدهم ذی قعده سال ۱۳۷۴ هجری قمری برابر با ۲۱ تیرماه سال ۱۳۳۳ هجری شمسی مصادف با ولادت باسعادت حضرت امام رضا علیه السلام[است]که شخصا به دست آیت الله بروجردی کلنگ بنای آن زده شد.

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۲۴۲.

دو ـ «مسجد ارک تهران» که این مسجد در محل مسجد مادر شاه که دربار قاجاریه برای خانم های بیت سلطنتی درست کرده بود، واقع شده و دولت وقت در زمان پهلوی دوم، ادعای مالکیت زمین این مسجد را کرد و قصد داشت زمین مسجد را ضمیمه ساختمان دولتی نماید که با اصرار و پافشاری آیت الله بروجردی این زمین از تصرف دولت خارج و به عنوان حاکم شرع در اختیار ایشان قرار گرفت و سپس به دستور ایشان بنای مسجد ارک طی چندین سال به شکل فعلی احداث شد.

سه ـ بنای سقف و ایوان مسجد حاج عزیزالله در تهران؛

چهار ـ مسجدی در شهرستان صحنه از توابع کرمانشاه؛

پنج ـ مسجدی در نورآباد ممسنی فارس؛

شش ـ مسجدی در شهرستان ایران شهر؛

هفت ـ مسجد بزرگ بندر هامبورگ آلمان؛

هشت ـ احداث چهار مسجد بزرگ در افریقا؛

نه ـ مسجدی در شهر طرابلس لبنان؛

ده ـ مسجدی در بیروت؛

یازده ـ حسینیه تهرانی ها در کربلای معلا؛

دوازده ـ حسینه ای در شهر سامره عراق.

ب) مدارس علمیه

یک ـ مدرسه علمیه آیت الله بروجردی در نجف اشرف؛

دو ـ مدرسه علمیه آیت الله بروجردی در کرمانشاه؛

سه ـ مدرسه علمیه آیت الله بروجردی در قم (مدرسه خان)؛

چهار ـ مدرسه علمیه آیت الله بروجردی در کربلا؛

پنج ـ تجدید بنای مدرسه بُقعه در کربلا؛

شش ـ تعمیر اساسی مدرسه رضویه قم؛

هفت ـ مدرسه علمیه ای در شهرستان درود.

ج) مؤسسه های عام المنفعه

یک ـ خریداری زمین بیمارستان نکویی در قم و تأمین بخشی از مخارج آن؛

دو ـ تأسیس کارخانه برق بروجرد؛

سه ـ تأسیس کارخانه سیلوی بروجردی که در زمان خود در قسمت های غربی کشور نظیر نداشت و از عواید این کارخانه خدمات عمرانی دیگر در همان شهر صورت گرفت؛

چهار ـ حفر چاه های عمیق در شهر قم جهت تأمین آب آشامیدنی مردم.(۱)

د) تأسیس و توسعه کتاب خانه ها

«آیت الله بروجردی چون در طول عمر پرافتخار خود با کتاب و مطالعه سر و کار داشتند، قدر کتاب و کتاب خانه را به خوبی می شناختند. ایشان در طول عمر طولانی خود کتاب های زیادی اعم از چاپی و خطی تهیه کرده بودند و بی نهایت به آنها مخصوصا نسخه های منحصر به فرد علاقه داشتند. او با اصرار زایدالوصفی کتاب و کتاب خانه را ترویج می کرد و در تأسیس و توسعه و تعمیم آن کوشش فراوان می نمود. تا در قید حیات بودند، هر جا مدرسه ای به امر او بنا یا تعمیر می شد، کتاب خانه ای هم به آنجا اختصاص داده می شد و ابتدا خودشان قسمتی از کتاب های آن را تهیه و سپس اهل خیر را تشویق می کردند تا بر تعداد کتاب های آن بیفزایند. این کتاب خانه ها عبارتند از:

یک ـ کتاب خانه مسجد اعظم قم، واقع در سمت غربی صحن مسجد اعظم دارای یک مخزن و دو سالن مطالعه که هم اکنون دارای یک صد هزار جلد کتاب می باشد که تعداد ۴۰۰۰ آن نسخه خطی است.

۱- نک: زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۲۱۳.

دو _ کتاب خانه مدرسه آیت الله بروجردی در نجف اشرف که با حدود هشت هزار جلد کتاب شروع به کار نمود.

سه _ کتاب خانه مدرسه آیت الله بروجردی در کرمانشاه.

چهار _ توسعه کتاب خانه مدرسه فیضیه و افزایش کتب موجود آن به دو برابر که هم اکنون این کتاب خانه در حدود یکصد هزار جلد کتاب دارد که از این تعداد ۴۵۰۰ جلد آن خطی است.

پنج _ کتاب خانه مدرسه آیت الله بروجردی (مدرسه خان) در قم».(۱)

۱- نک: همان، ص ۱۹۸.

فصل ششم: عروج ملکوتی

۱. واپسین شب حیات

۱. واپسین شب حیات

یکی از نزدیکان آیت الله بروجردی که سال ها در سفر و حضر همراه او بود و در شب چهارشنبه، یعنی شب آخر عمر آن مرد بزرگ نیز حضور داشت، می گوید: «ساعت یک و نیم بامداد پنج شنبه بر بالین آقا بودم و مانند شب های گذشته مراقب احوال ایشان. در آن وقت شب دیدم آقا خواب خوشی دارند. صورت مبارکش برافروخته و خرّم است. کمی چشم باز کرد و پرسید: «ساعت چند است؟» عرض کردم: یک و نیم. گفت: «حالا زود است؛ وقت دارم!» به فاصله یک ساعت مجددا بیدار شد و پرسید: «ساعت چند است؟» جواب دادم. باز گفت: «زود است؛ وقت دارم!» و مجددا با کمال آرامش به خواب رفتند. در این وقت یکی از افراد خانواده ایشان خواستند وارد شوند. من از اتاق بیرون رفتم و بعد از رفتن او که مدتی بر بالین آیت الله نشست و گفت وگوی مختصری کرد، مجددا وارد اتاق شدم. کم کم صبح نزدیک می شد. صدای بلندگوی آستانه حضرت معصومه علیهاالسلام که اذان صبح را پخش می کرد، به گوش می رسید. دستم را روی دست آقا گذاشتم. فوری بیدار شد و فرمود: «چه می گویی؟» گفتم موقع اذان و نماز صبح است. خاک تیمم را آوردم و ایشان برخلاف همه وقت که با دو ضربه تیمم می کردند، این بار با یک ضربه تیمم گرفت و گفت: دو ضربه مستحب است. بعد از نماز صبح، دکتر مدرسی، پزشک مخصوص آقا که تمام شب را در راهرو جنب اتاق آیت الله خوابیده بود، آمد و ایشان را معاینه کرد. سپس یک استکان چای کم رنگ برای آقا آوردند و ایشان میل کرد، ولی لحظه ای بعد حالشان به هم خورد و اظهار درد نمود. آمدیم زیر بغل ایشان را گرفتیم. در آن حال سه بار فرمود: «لا اله الّا اللّه» و در بار سوم جان به جان آفرین

تسلیم کردند.»(۱) آری، این عالم پاک نهاد از سلاله پاک پیامبر، صبح روز پنج شنبه ۱۳ شوال ۱۳۸۰ هـ . ق برابر با ۱۰ فروردین ۱۳۴۰ از خاک به افلاک پر کشید و میهمان کروبیان شد.

۲. بازتاب خبر درگذشت

۲. بازتاب خبر درگذشت

حجت الاسلام محمدتقی فلسفی در این باره بیان داشته است: «در اواخر عمر آیت الله بروجردی حدودا یک هفته به طور متوالی در قم بودم و طی این مدت، سه شب بنا به خواست ایشان در مسجد اعظم منبر رفتم برای اینکه همراه مردم دعا کنیم و از خداوند شفای ایشان را بخواهیم. روز قبل از فوت، حال عمومی ایشان قدری بهبود یافته بود و چون چند روز متوالی در قم بودم، آقا به من فرمودند: «شما بروید تهران و به کارهایتان برسید.» صبح روز بعد، رادیو خبر فوت ایشان را پخش کرد. فورا به سمت قم حرکت کردم و وقتی وارد اندرونی منزل ایشان شدم که انبوه جمعیت از جمله آقایان مراجع و مدرسین حضور داشتند و در حمام منزل، بدن ایشان را غسل می دادند. در مراسم تشییع مرحوم آیت الله بروجردی، جمعیت به قدری زیاد بودند که اصلاً کسی به کسی نبود. ماشین های کسانی که از تهران به قم آمده بودند، تقریبا در طول جاده تهران ــ قم متصل به هم بودند. من خودم در میان امواج جمعیت در مضیقه بودم و تنفس برای من مشکل شده بود. وقتی به صحن مطهر رسیدیم، برای اینکه وضعیت را بهتر ببینم، روی بام مقبره های صحن بزرگ رفتم. از آنجا می دیدم چنان صحن و بیرون صحن مملو از جمعیت است که واقعا ذره ای فاصله در بین مردم نیست. شهرستان قم تا آن روز چنان جمعیتی به خود ندیده بود. تشییع کنندگان از همه طبقات بودند، ولی همان طور که گفتم از کثرت جمعیت و حالت سوگواری که همگان داشتند، کسی به کسی نبود. رحلت آن مرحوم که پیشوای دینی حدود

۱- همان، ص ۲۶۲.

یک صد میلیون شیعه جهان بود، ضایعه ای دردناک بود که پس از رحلت مرحوم آیت الله اصفهانی رحمه الله نظیر نداشت. خداوند آن رهبران بزرگ دینی را غریق رحمت بی پایان خود فرماید. باید بگویم مرگ آیت الله بروجردی هم باعث بیداری بیشتر مردم و توجه آنها به عالم روحانیت و هم احساس مسئولیت بیشتر نسبت به انجام وظایف دینی آنها شد. این، از ویژگی های بزرگان ما است که پس از فوت هم منشأ آثار بزرگ بسیاری هستند و به راستی مرگشان هم حیاتی دیگر است».(۱)

حجت الاسلام دوانی در این باره می گوید: «خبر رحلت پیشوای بزرگ شیعیان فورا به وسیله خبرگزاری های مهم جهان به تمام دنیا مخابره شد و همچنین در صدر اخبار جراید معروف جهان قرار گرفت. پس از خبر رحلت آیت الله بروجردی از طرف دولت عزای عمومی به مدت چند روز اعلام شد و مردم نیز عمدا عزای عمومی را بیش از مدت رسمی برگزار کردند. در غالب نقاط کشور تا سه روز و در بعضی از نقاط تا هفت روز بازارها به کلی تعطیل بود.

از طرف ملت پاکستان نیز عزای عمومی به مدت چند روز اعلام گردید. پرچم های تمام سفارت خانه های بزرگ در تهران از جمله سفارت شوروی، انگلستان، امریکا و سایر دول غربی به حالت عزا (نیمه افراشته) درآمد. البته سفرا و نمایندگان دولت های اسلامی در این جریان بیش از سایرین ابراز هم دردی نمودند. از بسیاری نقاط کشور اطلاع می دادند که مراسم عزاداری در چند روز اول این حادثه اسفناک حتی از عاشورا هم دامنه دارتر و هیجان انگیزتر بوده است.

روی هم رفته در همه نقاط کشور خاطره عاشورا؛ یعنی بزرگ ترین روز سوگواری شیعه، در نظرها تجدید شده بود. پس از ایران، در عراق و مخصوصا در نجف اشرف و کربلا، مراسم عزاداری و یادبود، با شکوه هرچه تمام تر برگزار گردید.

۱- الگوی زعامت، ص ۲۳۷.

همچنین، در کلیساهای ارامنه و معابد یهودیان و پیروان سایر ادیان نیز مراسم مفصل به عنوان هم دردی با مسلمانان در این عزای بزرگ برگزار گردید و تلگراف هایی به این منظور به بزرگان روحانیت قم و بازماندگان آیت الله بروجردی مخابره نمودند».(۱)

۳. آرام گاه

۳. آرام گاه

مرقد مطهر آیت الله بروجردی که در حد فاصل مسجد اعظم و مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیهاالسلام قرار دارد، در سالیان متمادی مورد توجه عموم دین داران شهر قم و شماری از زوّار حرم بوده است و آنان با حضور خود در جوار مرقد پاک آن عالم ربانی، خاطرات شیرین دوران مرجعیت او را یادآور می شوند.

متأسفانه بر اثر گذشت زمان و به علت بسته بودن درِ مسجد بالاسر به سوی حرم مطهر در سال های اخیر، مرقد پاک ایشان تنها مورد توجه طلاب دینی و شمار اندکی از مردم بود که با گشایش در مسجد بالاسر حرم در سال ۱۳۷۱ و اتصال مسجد اعظم به حرم مطهر، بار دیگر مرقد نورانی آن مرجع عالی قدر شیعه، توجه مردم را به خود جلب کرد. آقا مسیّب فرح آبادی که حدود ۳۰ سال افتخار خدمت گزاری حرم حضرت معصومه علیهاالسلام را دارد و محل خدمت ایشان هم اکنون در مجاور مرقد آیت الله بروجردی است، می گوید:

از نیمه سال ۱۳۷۱ که در مسجد بالاسر حرم به روی مرقد مطهر آیت الله بروجردی بازگشایی شد، از آن زمان تاکنون ما شاهد حضور گسترده و چشم گیر عموم زوّار در کنار مرقد ایشان هستیم، به طوری که معمولاً ـ روزانه حدود دوسوم زوّار حرم حضرت معصومه علیهاالسلام در کنار مرقد آیت الله فقید نیز حاضر می شوند.

ص: ۶۶

۱- زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۲۶۵.

فصل هفتم: آیت الله بروجردی از دیدگاه بزرگان

۱. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای

۱. مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای

«آیت الله بروجردی چون خورشیدی درخشان بر تعدادی از علوم اسلامی، بلکه بر روش ها و شیوه های تحقیق در آنها و نیز بر فضای عام حیات مسلمین در زمان خود و پس از آن پرتوافشانی کرد و هنوز علمای اسلام و جهان اسلام از تأثیرات مبارک آن عمر پرثمر و ریاست و مرجعیت تامه پانزده ساله او متمتع اند».

«علم و تقوا و اخلاص و روشن بینی و بزرگ منشی و کیاست و نوآوری و جامع نگری و خستگی ناپذیری و بسی خصلت های کمیاب و نفیس دیگری، از این مرد بزرگ و ذخیره الهی چنان شخصیت ذوابعاد و عظیمی فراهم آورده بود که نظیر آن را در فقهای صاحب نام و برخوردار از زعامت به ندرت می توان یافت».

«حوزه علمیه تحت زعامت او پرورشگاه و خاستگاه افکار نو و گوهرهای درخشانی شد که به برکت آن در سال های بعد، نهضت روحانیت پی ریخته شد و حرکتی که در اوج آن، انقلاب عظیم و شکوهمند اسلامی به رهبری مجدّد بزرگ اسلام، حضرت امام خمینی رحمه اللهبود، سر برآورد».

«در مجموع شخصیت آن بزرگ مرد آنچه بیش از همه درخشنده و چشم گیر بود، اخلاق و تقوایی بود که وی در همه امور خود از آن بهره

می گرفت».(۱)

۲. شیخ حسن باقری

۲. شیخ حسن باقری

«او که یکی از دانشمندان معروف مصر و وزیر اوقاف آن کشور بود، پس از ملاقات خود با آیت الله بروجردی در جواب یکی از دانشمندان مصری که از وی پرسید: آیت الله بروجردی، پیشوای شیعیان را چگونه دیدی؟ گفت: «آیت الله بروجردی، بزرگ ترین شخصیتی است که در عمر خود دیده ام.» این ملاقات چنان ثمربخش بود و در روحیه آن دانشمند مصلح مصری مؤثر واقع شد که باید تماس های بعدی دانشمندان مصر و ارتباط بیشتر با دارالتقریب و پیشرفت های شیعه در مصر را محصول دیدار او با آیت الله بروجردی دانست».(۲)

۳. ابوالمجد (دانشمند و شاعر معروف مصر)

۳. ابوالمجد (دانشمند و شاعر معروف مصر)

یکی از علما درباره ملاقات ابوالمجد با آیت الله بروجردی گفته است: «ابوالمجد در برخورد با آیت الله چنان مجذوب قیافه و هیئت و هیبت او شده بود که دیدم مانند بچه خم شده و گوش به سخنان آیت الله دارد. من که مترجم بودم، دیدم ابوالمجد بد طوری نشسته است. آهسته به او فهماندم که درست بنشیند. ابوالمجد درست نشست و گفت: به خدا طوری تحت تأثیر واقع شده ام که نفهمیدم چه طور نشسته ام. خوب شد خبرم کردی و افزود که قیافه و هیئت پیغمبر این طور بود؛ عمامه و محاسن و ردا و عبا».(۳)

۴. دکتر آرشه تونگ (دبیرکل سازمان بین الملل مبارزه با الکل)

۴. دکتر آرشه تونگ (دبیرکل سازمان بین الملل مبارزه با الکل)

دکتر آرشه تونگ که با تمام رجال و شخصیت های دینی و سیاسی جهان دیدار به

۱- مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، ص ۳.

۲- زندگانی آیت الله بروجردی، ص ۱۸۵.

۳- نک: همان، ص ۲۹۷.

عمل آورد و نظر آنها را درباره الکل و مسکرات پرسیده بود، از حضرت آیت الله بروجردی پرسید: چرا در اسلام مشروبات الکلی تحریم شده است؟ آیت الله فقید فرمود: «انسان به سبب داشتن عقل، اشرف مخلوقات شناخته شده و منظور از خلقت وی، همان پیمودن راه تکامل در خداشناسی می باشد. ودیعه گران بهای شعور و عقل که خداوند به ما داده، برای حفظ آن هم دستوراتی داده است و ازاین رو نیز پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله استعمال و شرب مواد الکلی را که منجر به مستی و اختلال عقل می گردد، حرام کرده است.» دکتر آرشه تونگ در این مجلس بی نهایت تحت تأثیر جاذبه معنوی و سخنان ایشان قرار گرفت و پاسخ آیت الله بروجردی را در بیست و ششمین کنگره جهانی مبارزه با الکل و در حضور نمایندگان کشورهای مختلف خواند. نمایندگان کنگره با اعتراف به اینکه اسلام تنها دیانتی است که به طور رسمی، مشروبات الکلی را تحریم کرده است، همگی در مقابل شخصیت و عظمت آیت الله بروجردی سر تعظیم فرود آوردند.(۱)

۵. پروفسور موریس (متخصص معروف قلب)

۵. پروفسور موریس (متخصص معروف قلب)

موریس که در آخرین روزهای عمر آیت الله بروجردی برای درمان ایشان به تهران آمده بود، می گوید:

ظرف ۴۸ ساعتی که در شهر قم بودم و چندبار به ملاقات و عیادت ایشان رفتم و با او مصاحب بودم، جاذبه معنوی حضرت آیت الله به قدری برای من جالب بود که هرگز در مدت عمرم تا این حد تحت تأثیر یک مقام و شخصیت روحانی واقع نشده بودم و خیلی مایل بودم که ایشان به من اجازه می دادند که چند دقیقه ای در یکی از مساجد برای سلامت و بهبود کامل ایشان دعا کنم.(۲)

۱- نک: همان، ص ۱۸۵.

۲- همان، ص ۱۸۷.

فصل هشتم: برگزیده ادب فارسی

۱. متون ادبی

۱. متون ادبی

عیسای زمان

قدسیان از عیسای زمان سخن گفتند و برای مردم زجر کشیده و تازیانه استبداد چشیده، چهره درخشان او را ترسیم کردند و امید را به آنان هدیه دادند.

او نسیم حیات بخش زندگی بود که عطر معنویت را در جامعه پراکنید. او باران رحمت بود که غبار غم ها را زدود و پاکی و مهربانی را به ارمغان آورد.

با آمدنش، خزان جهل و ظلم به پایان رسید و بهار دانش شکوفا شد. او آیت الله بروجردی این الگوی فقاهت و مرجعیت بود که به حوزه های علمیه اعتباری نوین بخشید و علوم اهل بیت علیهم السلام را به سراسر دنیا گسترش داد.

مایه افتخار مسلمانان

مردان، به داس بیداد استبداد درو شده بودند و بازماندگان این دشت خون، گرفتار توفان های سهمگین. زندگی نکبت بار بود و غم افزا و آنان که اندک غیرتی داشتند، مرگ را به مراتب گواراتر از این زندگی می دانستند. روحانیان؛ این فریادگران عرصه بیداری، در انزوا بودند و مشروعه خواهان، بر دار و مشروطه خواهان، در عزلت و سکوت.

آه! چه خزان دیرگذری و چه روزها و تب های تاریکی... در این هنگام بود که مردی از سلاله پاک زهرا علیهاالسلام به پا خاست و جامه زعامت و مرجعیت را به تن کرد

ص: ۷۰

و این کشتی گرفتار توفان بلا را نجات داد. او آیت الله سید حسین بروجردی بود.

دین داران و روحانیان مانند پروانه به گردش جمع شدند و از وجود معنوی اش بهره ها جستند. بهار دین و دانش فرا رسید و نام قم و حوزه علمیه قم و علوم اهل بیت علیهم السلام در سراسر دنیا زنده شد. عطر دل انگیز اسلام، مرزهای جغرافیایی را درنوردید و آسیا و اروپا و افریقا و امریکا را تسخیر کرد. او عزت روحانیت و حوزه علمیه بود و مایه افتخار مسلمانان.

اکنون بر ماست که راه همیشه سبز او را ادامه دهیم تا نام اسلام پرافتخارتر از همیشه باقی بماند. بر ماست که از زندگی سراسر معنویت او درس بگیریم و نام و یادش را همیشه گرامی بداریم.

خورشید فقاهت

آن روز که خورشید فقاهت از مشرق معنویت طلوع کرد؛ آن روز که مردی از تبار روحانیان پاک سرشت ندای وحدت و عزت را سر داد؛ آن روز که پرچم فقه اهل بیت علیهم السلام بر فراز حوزه های علمی و دینی به اهتزاز درآمد؛

آن روز، تمام عالمان و شیفتگان علم و دانش در سراسر دنیا، از مسیحیان اروپا تا برادران اهل تسنن در مصر، همه به احترام بزرگ مردی به پا خاستند که نامش را همه به نیکی یاد می کردند و داستان زهد و ایمانش شهره آفاق بود.

او فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، نایب بر حق امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف ، حضرت آیت الله بروجردی بود که عمری در راه گسترش دین مبین اسلام کوشید و صدها هزار شاگرد معنوی از خود به یادگار گذاشت.

یادش گرامی

و راهش مستدام باد.

۲. شعر

۲. شعر

روح پاک

ای حجت الهی و ای آیت هدا

ای جانشین احمد و ای روح اتقیا

رفتی و شد ز رفتنت، اسلام و دین، یتیم

نوروز و عید شد ز غمت بهر ما عزا

تن ها ز ماتم تو سیه پوش گشته است ج

گلشن ز داغ مرگ تو گردیده بی صفا

قربان روح پاک تو ای سید جلیل ج

قربان قلب صاف تو ای مظهر وفا

دنیا نبود لایق جا و مکان تو

زان رو شتافت روح بلندت سوی بقا

ای سرپرست مردم دین دار شهر قم

ای ماه شیعیان جهان می روی کجا؟

تو می روی و خون دل از دیده ها روان ججج

تو می روی و ماتم ما گشته برملا

ای روح پاک! جای تو در زیر خاک نیست

برخیز و جای کن ز وفا بر سر هما

جانا! «حسینی» از غم تو گشته داغ دار

پوشیده است بر تن خود، جامه عزا

حسینی

ص: ۷۲

نهان شدن آفتاب

سحر به جیب افق، آفتاب می دیدم جج

فرو نشستن خورشید خواب می دیدم ج

نگو حدیث روان سوز رحلت او بود ج

که چون نهان شدنِ آفتاب می دیدم ج

عجب مکاشفه ای بود کز مشاهده اش

روان منظر دل را خراب می دیدم

صف نمازگزاران مسجد اعظم

فرو شکسته و پر اضطراب می دیدم

حساب آدمی اندر فضیلت گُهر است

بدین قیاس عظیمش حساب می دیدم

در آن زمان که گل روح او به حق پیوست

کف نسیم پر از مشکٔ ناب می دیدم

چراغ محفل دین و فروغ یزدان بود ج

به ماتمش، دل خلقی کباب می دیدم

عزیز بود و جهانی فضیلت و تقوا ج

ولی عصر به نایب مناب می دیدم

بلند اختری ای خاک در تو پنهان گشت

که پرتوش به سر شیخ و شاب می دیدم

نگاشت فخر وفاتش «شُکوه تربت او»

شکوه تربت او را که خواب می دیدم

ص: ۷۳

فخر طباطبایی

زعیم شیعیان رفت

ای دریغ، آن پیشوای شیعیان از دست رفت

نـایب خـاص امـام انس و جان از دست رفت جای آن دارد که بارد اشک غم ابر بهار گلبن پاکی ز تاراج خزان از دست رفت آیت الله بروجردی، سـلیل مصـطفی قائد اعظم، زعیم شـیعیان از دست رفت نام دل جویش، حسـین و میوه باغ حسن دوستان را میوه این بوسـتان از دست رفت قافله سالار و میر کاروان شرع بود قافله سالار و میرکاروان از دست رفت حامی دین پیمبر، سید والاـ گُهر رهـبر روحـانی روشن روان از دست رفت در جوار دخـتر موسـی بن جعفر آرمیـد ای دریغ، آن میزبـان را میهمـان از دست

داشت قلبی مهربـان و پاک آن مرد خـدا ای دریغ آن قلب پاک و مهربان از دست رفت آن که گفتی در دل شب چون علی با سوز دل

ص: ۷۴

رازها با اختران آسمان از دست رفت هجر او بشکست قلب عالم اسلام را ای دریغ، آن طایر خلد آشیان از دست رفت آن که در راه خدا و خدمت و ارشاد خلق

ماند از او آثار نیک و جاودان، از دست رفت ای دریغ، آن قلب پاک و مهربان از دست رفت در شب آدینه شد مهمان جدّش، مصطفی

حیف کان یک دانه گوهر رایگان از دست رفت در هزار و سیصد و هشتاد هجری آن «رسا»

ماه شوال آن گل پاکیزه جان از دست رفت

قاسم رسا (ملک الشعرای آستان قدس رضوی)

نابغه فضل

رحلت نابغه فضل و کمال و جود است

درگذشت سر و سالار زمان می بینم

آیت الله بروجردی خفته است به خاک

زین سبب، شرع و شریعت به فغان می بینم

خیز ای آیت حق! مایه فخر اسلام

عالمی بی تو به حیرت نگران می بینم

خیز در مسجد اعظم، همگی منتظرند

بسته صف بهر نمازت همگان می بینم

ص: ۷۵

خیز، محراب تو خالی است به روی مردم

اشک زوار تو از دیده روان می بینم

بنگر مرقد پاک تو مطاف علماست

به مزارت، فقها ندبه کنان می بینم

همه جا تعزیت رحلت جان سوز تو هست

اشک ریزان، همه را از دل و جان می بینم

متقی (برادرزاده آیت الله فقید)

نوای غم

تو ای مرغ بهشتی، عاقبت یاد وطن کردی

چه شد ای طایر قدسی که ترک این چمن کردی

چو دیدی مرغ روح خویش در زندان تن آخر

قفس بشکستی و پرواز از زندان تن کردی

اگر از آتش هجر تو جان ها سوخت، جا دارد

تو جان خویشتن چون شمع وقف انجمن کردی

تو خوش، آسوده خاطر ره سپار آن جهان گشتی

ولی ما را گرفتار فراق خویشتن کردی

الا ای حامی دین، آیت الله بروجردی

تو بودی کز نیاکان، زنده آداب و سنن کردی

عبدالحسین رضایی

در سوگ تو

در زمان تو و از همت والای تو رفت

نام اسلام و تشیع به جهان در اقطار شیعیان را به جهان تا تو بُدی پشت و پناه

شیعه می سود سر فخر به چرخ دوّار با وجودت، علما بر خود می بالیدند

گشته از سفره فقهت، فقها برخوردار تا که تو رفتی و در گوشه مسجد خفتی

بردی از قلب مسلمانان یک باره قرار حجت بن الحسن از مرگ تو می نالد سخت احمد مرسل در سوگ تو می گرید زارآفرین بر تو که در طاعت و فرمان خدای عمر بردی به سر و کردی از این دهر گذار نام نیک تو به تاریخ جهان باشد ثبت شخص تو زنده و جاوید بود در ادوار

محمدعلی انصاری

مرد متین

رفت از دنیای فانی سرور دنیا و دین

مفخر ما، رهبر دین، پیشوای مسلمین

آیت الله بروجردی که اندر شرق و غرب

نیست مانندی که گیرد جای آن مرد متین

آن که سعی اش در ره ترویج دین لاریب فیه

آن که بودی در طریق حق هدی للمتقین

آفتاب علم او تابید اندر شرق و غرب

کز شعاع نور او روشن شد اقطار زمین

محمد شیخ الرئیس

ص: ۷۷

فصل نهم: همراه با برنامه سازان

برنامه های پیشنهادی

برنامه های پیشنهادی

۱. گفت وگو مصاحبه با مراجع و علمای بزرگ و بررسی شخصیت آیت الله بروجردی از زبان آنها.

۲. گفت وگو با شاگردان ایشان و بیان خاطراتی از زندگی آن عالم فرزانه.

۳. معرفی خدمات اجتماعی، فرهنگی و مذهبی ایشان.

۴. معرفی کتاب هایی که ایشان نگاشته یا دستور چاپ آن را داده است.

۵. بررسی نقش ایشان در روند مسائل تاریخی ایران.

۶. بررسی فعالیت های برون مرزی ایشان از راه اعزام نمایندگانی به کشورهای مختلف جهان و نشر عقاید تشیع.

۷. گفت وگو با مردم و بیان این پرسش که تا چه حد ایشان را می شناسید؟

۸ . تهیه مستندی از مسجد اعظم و کتاب خانه آن مسجد.

پرسش های مسابقه ای

پرسش های مسابقه ای

۱. نسبت شریف آیت الله بروجردی به کدام امام معصوم علیه السلاممی رسد؟

الف) امام حسین علیه السلام ب) امام کاظم علیه السلام

ج) امام حسن علیه السلام) د) امام سجاد علیه السلام

۲. آیت الله بروجردی در چند سالگی به درجه اجتهاد رسید؟

الف) ۲۵ سالگی ب)۲۶ سالگی

ج)۲۷ سالگی د)۳۰ سالگی

۳. استاد بزرگ ایشان که بود؟

الف) آخوند خراسانی ب) شیخ انصاری

ج) علامه مجلسی د) علامه نایینی

۴. دوران مرجعیت ایشان چند سال به طول انجامید؟

الف) ۱۶ سال ب) ۱۴ سال

ج) ۱۰ سال د) ۲۰ سال

۵. مرقد مطهر ایشان در کدام شهر است؟

الف) مشهد ب) قم

ج) اصفهان د) بروجرد

۶. ایشان از محضر چه کسانی اجازه اجتهاد گرفت؟

الف) آخوند خراسانی ب) آیت الله شریعت اصفهانی

ج) شیخ انصاری د) الف و ب

۷. نخستین کتابی که ایشان نوشته اند، ... است.

الف) کفایه الاصول ب) حاشیه بر کفایه الاصول

ج) حاشیه بر نهایه د) حاشیه بر مبسوط

۸ . اقدامات مهم ایشان برای جلوگیری از توطئه رژیم پهلوی عبارتند از: ...

ص: ۷۹

الف) جلوگیری از لایحه اصلاحات ارضی

ب) جلوگیری از لوایح شش گانه

ج) الف و ب د) هیچ کدام

۹. دوران مرجعیت ایشان با حکومت کدام حاکم ظالم هم زمان بود؟

الف) احمدشاه ب) رضاشاه

ج) محمدرضاشاه د) هیچ کدام

۱۰. این جمله از کیست: «آیت الله بروجردی چون خورشیدی درخشان بر تعدادی از علوم اسلامی، بلکه بر روش ها و... پرتوافشانی کرد».

الف) امام خمینی رحمه الله ب) شهید مطهری رحمه الله

ج) آیت الله کاشانی رحمه الله د) مقام معظم رهبری

۱۱. مهم ترین ویژگی های اخلاقی ایشان،... بود.

الف) ساده زیستی ب) توجه به محرومان

ج) سخاوت د) همه موارد

مسابقه «من کیستم؟»

مسابقه «من کیستم؟»

در سال ۱۲۹۲ هـ . ق در شهر بروجرد در خانواده ای مذهبی به دنیا آمدم. تا هجده سالگی در محضر پدرم و استادان بزرگ شهر به تحصیل مشغول بودم و سپس برای کسب تحصیلات عالی راهی شهرهای اصفهان و نجف اشرف شدم.

در نجف از محضر استادان بزرگی همچون علامه آخوند خراسانی و آیت الله شریعت اصفهانی بهره جستم و در ۲۶ سالگی به درجه اجتهاد رسیدم. پس از نه سال به زادگاهم بازگشتم و در آنجا به تدریس علوم دینی و نگارش کتاب های مذهبی پرداختم.

در سال ۱۳۶۴ هـ . ق بنا به دعوت علما و روحانیان و مردم دین دار قم به این

شهر هجرت کردم و با کمک ایشان رونقی دوباره به حوزه علمیه قم بخشیدم. حوزه علمیه قم به صورت بسیار فعال در آمد و روحانیان، با شور و شوق بیشتری به تحصیل علوم دینی پرداختند. از سوی دیگر، نمایندگانی را به کشورهای مختلف اسلامی فرستادم تا در آنجا نیز به گسترش علوم دینی بپردازند. این کار اثر بسیار مهمی بر جای گذاشت و سبب شد فعالیت های علمی و مذهبی در آن کشورها هر چه گسترده تر دنبال شود.

در کنار این فعالیت، همیشه به فکر طبقه کم درآمد و مستمند جامعه بودم و پیوسته می کوشیدم در راه یاری به ایشان، کارهای مفیدی انجام دهم. به همین منظور، مدارس، مساجد و بیمارستان های بسیاری ساخته شد.

پرسش های مردمی

پرسش های مردمی

۱. آیت الله بروجردی در کجا به دنیا آمد؟

۲. از خدمات اجتماعی ایشان چه اطلاعی دارید؟

۳. آیا تاکنون به مسجد اعظم رفته اید؟

۴. مرقد پاک ایشان در کجاست؟

۵. از ویژگی های اخلاقی ایشان چه می دانید؟

۶. رمز محبوبیت ایشان به نظر شما چیست؟

۷. از زندگی زاهدانه و ساده ایشان چه می دانید؟

۸. آیا با خدمات علمی و فرهنگی ایشان آشنا هستید؟

۹. آیت الله بروجردی در چه سالی از دنیا رفت؟

۱۰. مهم ترین خدمت ایشان به حوزه علمیه چه بود؟

۱۱. مهم ترین شاگردان ایشان چه کسانی هستند؟

۱۲. نظر مقام معظم رهبری درباره ایشان چیست؟

ص: ۸۱

پرسش های کارشناسی

پرسش های کارشناسی

۱. اقدامات مهم آیت الله بروجردی برای وحدت جهان اسلام چه بود؟

۲. مهم ترین اقدامات فرهنگی آیت الله بروجردی در خارج از کشور چه بود؟

۳. چند نمونه از خدمات فرهنگی آیت الله بروجردی در داخل کشور را نام ببرید؟

۴. وضع حوزه علمیه قم پیش از آمدن آیت الله بروجردی چگونه بود؟

۵. درباره مکتب فقهی و رجالی آیت الله بروجردی توضیح دهید.

۶. مهم ترین ویژگی های معنوی آیت الله بروجردی چه بود؟

۷. حضرت امام خمینی رحمه الله در آمدن آیت الله بروجردی به قم و قبول مسئولیت حوزه چه نقشی داشت؟

۸. رابطه آیت الله بروجردی با افراد مبارز همچون آیت الله کاشانی یا فداییان اسلام چگونه بود؟

۹. درباره کتاب جامع احادیث شیعه که از آثار ماندگار آیت الله بروجردی است، توضیح دهید.

۱۰. درباره محل تحصیلات آیت الله بروجردی و همچنین استادان مهم ایشان چه می دانید؟

کتاب نامه

کتاب نامه

* قرآن مجید

۱. امام و روحانیت، دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

۲. باقرزاده، عبدالرحمان، زندگانی امام حسین علیه السلام، قم، انتشارات حضرت معصومه علیهاالسلام، ۱۴۱۸ هـ . ق.

۳. دوانی، علی، زندگانی آیت الله بروجردی، تهران، نشر مطهر، ۱۳۷۲.

۴. روحانی (زیارتی)، سید حمید، بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی رحمه الله، انتشارات راه امام، ۱۳۵۹.

۵. علی آبادی، محمد، الگوی زعامت، انتشارات عصمت، ۱۳۷۸.

۶. مطهری، مرتضی، پاسخ های استاد به نقدهایی بر کتاب مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹.

۷. ، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۷.

۸. ، تکامل اجتماعی انسان، تهران، انتشارات صدرا، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸.

۹. ، تکامل اجتماعی انسان، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۳.

۱۰. ، مسئله شناخت، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۱.

۱۱. مجله حوزه، ش ۴۳ و ۴۴، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم.

ص: ۸۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


www

